

همه‌پرسی سال ۲۰۱۴ استقلال اسکاتلند: دغدغه

دولت انگلیس

ناصر زمانی^۱

چکیده: همه‌پرسی استقلال یا ادامه حضور اسکاتلند در چارچوب انگلیس، قرار است ۱۴ سپتامبر ۲۰۱۴ (۲۳ شهریور ۱۳۹۳) برگزار گردد. سه حزب عمده بریتانیا (محافظه‌کار، کارگر و لیبرال دموکرات) مخالف جدایی اسکاتلند می‌باشند. در صورت رای مثبت اسکاتلندی‌ها به استقلال، دولت محلی قصد دارد با توسعه برنامه‌های عدالت اجتماعی، ایجاد شرایط رقابتی و دسترسی به درآمد نفت و گاز دریای شمال، کشور مستقل اسکاتلند را مجدداً احیاء نماید. شاید بتوان منابع نفت و گاز شمال، ذخایر طبیعی و صنایع این سرزمین را پشتوانه مهمی برای احیای استقلال آن قلمداد نمود، اسکاتلند دارای نظام قضایی مستقلی بوده و بر سیستم آموزشی، بهداشتی و درمانی خود کنترل کاملی دارد. این ایالت همچنین تا حدودی از اختیار تغییر میزان مالیات‌ها و از نهادی مشابه وزارت کشور بهره‌مند است. در عین حال دولت مرکزی انگلیس سعی دارد در مدت باقیمانده با برجسته کردن مخاطرات اقتصادی و سیاسی پیش روی یک اسکاتلند مستقل، موجبات تداوم اتحاد آن با خود را فراهم نماید. تداوم وضعیت موجود اهمیت به‌سزایی برای لندن داشته و جدایی احتمالی اسکاتلند می‌تواند موجب تضعیف جایگاه بریتانیا در سطوح ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی گردد.

واژگان کلیدی: اسکاتلند، حزب ملی اسکاتلند، همه‌پرسی، استقلال، انگلیس، نفت و گاز شمال.

مقدمه

اسکاتلند، واحدی سیاسی در شمال غرب اروپاست که یک سوم از وسعت بریتانیا را در بر می‌گیرد. سرزمین اسکاتلند همراه با انگلند، ویلز و ایرلند شمالی، کشور پادشاهی متحد بریتانیای کبیر و ایرلند شمالی^۱ را تشکیل می‌دهند. هفتصد و نود جزیره همچون جزایر شمالی و هیبریدز در کنار خاک اصلی اسکاتلند وجود دارند که از این تعداد تنها یکصد و سی مورد آن مسکونی می‌باشند. این سرزمین از شمال به اقیانوس اطلس شمالی، از مشرق به دریای شمال، از جنوب به کوه‌های شویت^۲ و از غرب به دریای هیبرید^۳ محدود می‌شود. مناطق کوهستانی انگلیس عمدتاً در اسکاتلند واقع شده و پوشیده از چمنزار می‌باشند. اسکاتلند دارای مراتع بی‌شماری است که به عنوان چراگاه طبیعی احشام از آن‌ها استفاده می‌شود (عبادی، ۱۳۷۵: ۳ و ۵). سرزمین یاد شده ۷۸۷۷۲ کیلومتر مربع وسعت و بیش از پنج میلیون و دویست و پنجاه و پنج هزار نفر جمعیت دارد. زبان رسمی اسکاتلند انگلیسی است. البته زبان‌های "گیلیک" و "اسکاتس" نیز دو زبانی هستند که به عنوان زبان محلی در اسکاتلند رسمیت دارند. گیلیک اسکاتلندی از ریشه سلتی و اسکاتس از ریشه ژرمنی می‌باشد. زبان بومی اسکاتلند در میان جزایر و مناطق مرتفع شمال غربی این سرزمین رایج است و چون تنها ۱۶ درصد از جمعیت آن قادر به تکلم به زبان بومی خود هستند، استفاده از این زبان رو به کاهش بوده است (عبادی، ۱۳۷۵: ۲۳).

براساس بررسی‌های به عمل آمده در فوریه ۱۹۹۲، مردم اسکاتلند از اتحاد سیصد ساله خویش با انگلیس ناخشنود و در صدد جدایی هستند. به نظر می‌رسد اسکاتلندی‌ها به این نتیجه رسیده‌اند که منافع آن‌ها از سوی دولت مرکزی در لندن به خصوص محافظه‌کارها به خوبی تأمین نمی‌گردد و به همین دلیل حزب ملی اسکاتلند در چارچوب اروپا برای استقلال این سرزمین تلاش کرده و می‌کند (عبادی، ۱۳۷۵: ۶۰ و ۶۱). شصت و پنج درصد مردم اسکاتلند مسیحی، ۲۸ درصد بی‌دین و ۲ درصد پیرو ادیان غیرمسیحی هستند. مرکز اسکاتلند شهر تاریخی ادینبورگ (ادینبورو)^۴ است. ادینبورگ دومین شهر بزرگ اسکاتلند پس از گلاسکو و یکی از مراکز مهم اقتصادی و بانکی اروپا قلمداد می‌گردد. مرکزیت اصلی بانک سلطنتی اسکاتلند که یکی از پنج بانک بزرگ جهان به شمار می‌رود، در این شهر قرار دارد. ادینبورگ همچنین در عصر روشنفکری

1. United Kingdom of Great Britain & Northern Ireland
3. Cheviot Hills
3. Hebrides
4. Edinburgh

در قرن هیجدهم میلادی باعث شد تا اسکاتلند به یکی از کانون‌های بازرگانی، فکری و صنعتی اروپا تبدیل شود. نهضت روشنفکری و روشنگری اسکاتلندی از ۱۷۴۰ تا ۱۷۹۰ رشد و گسترش پیدا کرد. صنعت ماهیگیری و ناوگان صید آبیان اسکاتلند در مقایسه با دیگر مناطق انگلیس از اهمیت و گسترش بیشتری برخوردار بوده است. گلاسگو^۱ بزرگ‌ترین شهر اسکاتلند، یکی از سه شهر بزرگ بریتانیا و از قطب‌های مهم صنعتی این کشور قلمداد می‌گردد. اسکاتلند در قرن بیستم با رشد صنایع سنگین مانند کشتی‌سازی در گلاسکو قدرت گرفت، اما در دهه‌های ۱۹۷۰ و ۱۹۸۰ حمایت دولت بریتانیا از این صنایع از میان رفت و عمده کارخانجات فعال در این بخش مجبور به تعطیلی و اخراج کارکنان خود شدند، این در حالی بود که صنعت و فرهنگ کارگری زمینه اصلی فعالیت مردم این سرزمین را شکل می‌داد و امتیاز بهره‌برداری از نفت دریای شمال کماکان در دست دولت مرکزی باقی مانده بود. گلاسکو و حومه آن حدود ۴۱ درصد کل جمعیت اسکاتلند را در خود جای داده است. آبردین^۲ واقع در شمال شرق اسکاتلند، سومین شهر بزرگ این سرزمین و مرکز فعالیت صنعت نفت بریتانیا به حساب می‌آید. ذخایر نفت برنت دریای شمال بریتانیا در آب‌های اسکاتلند قرار دارند. زمین شناسان ذخایر نفت تأیید شده دریای شمال را ۱/۱۲۵/۰۰۰/۰۰۰ تن و کل منابع نفتی آن را ۴/۰۷۵ میلیون تن برآورد کرده‌اند. میزان مصرف نفت سالیانه انگلیس ۷۰ میلیون تن است. در دهه ۱۹۶۰ به دنبال تلاش این کشور برای دستیابی به گاز طبیعی در دریای شمال، میدین بزرگ نفتی در این دریا کشف شدند. انگلیس از سال ۱۹۶۲ از منطقه‌ای به وسعت صد هزار مایل مربع در دریای شمال اقدام به استخراج نفت و انتقال آن به داخل کشور کرده است، (عبادی، ۱۳۷۵: ۸۴ تا ۸۷).

بریتانیا به دنبال استخراج نفت و گاز طبیعی از ذخایر زیرزمینی فلات قاره دریای شمال، از لحاظ انرژی به خودکفایی رسید. در سال ۱۹۹۴ بریتانیا هشتمین تولید کننده نفت خام در جهان بود. استخراج نفت و گاز در سال مزبور ۲/۵ درصد تولید ناخالص ملی و فروش نفت خام و فرآورده‌های پتروشیمی ۶/۵ درصد صادرات مرئی را نشان می‌دهد. صادرات نفت خام دریای شمال از اواسط دهه هفتاد سهمی اساسی در تجارت خارجی انگلیس داشته است. در سال ۱۹۹۴ صادرات مواد سوختی از لحاظ حجم سه برابر سال ۱۹۷۵ بوده است (خالوزاده، ۱۳۷۷: ۱۳۷).

انگلیس و اسکاتلند در سال ۱۶۰۳ (دوران سلطنت جیمز اول) تحت حاکمیت یک پادشاه قرار گرفته و در سال ۱۷۰۷ پارلمان‌های این دو کشور با هم یکی شدند.

1. Glasgow
2. Aberdeen

جیمز اول از سال ۱۶۰۳ تا ۱۶۲۵ و جیمز دوم از سال ۱۶۸۵ تا ۱۶۸۸ سلطنت کردند (عبادی، ۱۳۷۵: ۱۰۹). در واقع اسکاتلند و انگلیس تا سال ۱۷۰۷ دو کشور با پادشاهی مستقل بودند، اما در اول مه ۱۷۰۷ میلادی براساس موافقت‌نامه‌ای با هم متحد و کشور "پادشاهی متحد بریتانیای کبیر" را به وجود آوردند. پرچم کنونی بریتانیای کبیر نیز از تلفیق پرچم اسکاتلند (زمینه آبی با ضربدر سفید) و پرچم انگلیس (زمینه سفید با صلیب قرمز) ایجاد شده است. اسب تک شاخ به عنوان یکی از نمادهای نظامی اسکاتلند که سابقه استفاده از آن توسط پادشاهان اسکاتلند به سال ۱۶۰۳ میلادی برمی‌گردد، همچنان از سوی انگلیس به کار برده می‌شود (این نماد بر سر در مقابل خیابان فردوسی سفارت انگلیس در تهران قابل مشاهده است).

اسکاتلند دارای اقتصاد صنعتی، ظرفیت‌های فنی، علمی و تحقیقاتی بالا، منابع نفت و گاز غنی در دریای شمال، بزرگترین مرکز تجاری و مالی پس از لندن و ارتباطات خارجی سازمان‌یافته با آمریکا، کشورهای اروپای شمالی (نوردیک) و چین می‌باشد. سرزمین اسکاتلند بالقوه از بسیاری از کشورهای اروپایی کنونی قوی‌تر بوده و دارای سابقه استقلال قبل از پیوستن به بریتانیا در حدود ۳۰۷ سال پیش می‌باشد. برابر آمار موجود، اقتصاد اسکاتلند طی دو سال اخیر در زمینه ایجاد اشتغال و تولید ناخالص داخلی در مقایسه با بقیه مناطق بریتانیا و کشورهای حوزه یورو جلوتر بوده است. دولت ملی‌گرای اسکاتلند برخلاف انگلیس که هزینه‌های آموزشی و درمانی بالائی را به شهروندان خود تحمیل می‌کند، هزینه‌های نظام بهداشت و درمان را همچنان ثابت و رایگان نگاه داشته و دانشجویان اسکاتلندی از پرداخت شهریه معاف هستند. این وضعیت انگیزه زیادی برای اقشار متوسط انگلیسی جهت نقل مکان به اسکاتلند ایجاد کرده است. اسکاتلند به عنوان یکی از مراکز اصلی انقلاب صنعتی اروپا هم‌اکنون مرکز تولید و صادرات منسوجات، موتور هواپیما، اتوبوس، رایانه، کشتی، تجهیزات هوانوردی، فناوری انرژی‌های تجدیدپذیر، دستگاه‌های الکترونیک و... می‌باشد. اسکاتلند همچنین از شبکه بانکداری، بیمه، مدیریت، خدمات مالی و ظرفیت دانشگاهی مناسبی برخوردار است.

اسکاتلند دارای نظام حقوقی- قضایی، پارلمانی و آموزشی مستقل از انگلیس، ویلز و ایرلند شمالی است، اما در امور سیاسی و بین‌المللی مانند عضویت در اتحادیه اروپا و سازمان ملل متحد، امور مالی و دفاعی همچنان تابع سیاست‌ها و تصمیم‌های دولت مرکزی در لندن است.

حزب حاکم محافظه‌کار فعلی انگلیس مخالف اعطای امتیازات و اختیارات بیشتر به پارلمان و دولت محلی اسکاتلند می‌باشد و به نظر می‌رسد در صورت عدم بروز

انعطاف، از اقبال کمتری در جلب آرای ساکنین بی‌تفاوت و بی‌نظر این منطقه به نفع باقی ماندن در چارچوب سیاسی انگلیس برخوردار خواهد بود. حزب کارگر در مقایسه با حزب محافظه‌کار به مراتب دارای ظرفیت بیشتری برای نرمش در ارتباط با تغییرات ساختاری کشور و اعطای قدرت بیشتر به اسکاتلند می‌باشد. حزب لیبرال دموکرات انگلیس نیز که در دوره "تونی بلر"^۱ با حزب کارگر ائتلاف کرده بود، مشتاق‌ترین تشکیلات سیاسی طرفدار اروپا در انگلیس محسوب می‌گردد (خالوزاده، ۱۳۷۷: ۶).

همه‌پرسی ۱۱ سپتامبر ۱۹۹۷ اسکاتلند (در مورد تفویض اختیارات)^۲ در دوره نخست وزیری تونی بلر از حزب کارگر و به‌دنبال حاکمیت مارگارت تاچر^۳ و جان میجر^۴ (از رهبران حزب محافظه‌کار) برگزار شد. جان میجر به خاطر مخالفت‌های پی‌درپی خود در اتحادیه اروپا به "آقای نه" شهرت یافته بود.^۵ بلر بلافاصله پس از تصدی پست نخست‌وزیری، رابین کوک^۶ از نمایندگان منطقه اسکاتلند و طرفدار اروپا را به عنوان وزیر امور خارجه خود منصوب نمود. گوردون براون^۷ وزیر دارایی و نخست وزیر بعدی حزب کارگر نیز اسکاتلندی بود. شهروندان اسکاتلندی در آن تاریخ به پای صندوق رفته و ۷۴/۲۹ درصد به نفع ایجاد یک پارلمان مستقل در ادینبورگ^۸ و ۶۳/۴۸ درصد به داشتن اختیار برای افزایش یا کاهش مالیات در اسکاتلند رای دادند. همه‌پرسی مذکور به عنوان بزرگ‌ترین تغییر و تحول از سه قرن پیش تا آن زمان در اسکاتلند قلمداد گردید. پارلمان ۱۲۹ عضوی اسکاتلند از اختیارات زیادی در زمینه‌های آموزش، بهداشت، حمل‌ونقل، قضاوت و فرهنگ برخوردار است. پارلمان اسکاتلند می‌تواند قوانین لازم در محدوده حاکمیت تقریبی خویش را وضع نموده و شورایی اجرایی به ریاست یک سروزیر برای اداره منطقه و نمایندگی اسکاتلند تشکیل تا در موارد مشخص و در محافل اروپایی از طرف بریتانیا سخن بگوید. البته حوزه‌های سیاست خارجی، دفاعی و تغییرات اساسی همچنان تحت کنترل لندن قرار دارند، (خالوزاده، ۱۳۷۷: ۲۳-۲۲).

1. Tony Blair ,former Prime Minister of the United Kingdom (1997-2007), www.gov.uk
2. Devolution Referendum , 11 Sep 1997
3. Margaret Thatcher
4. John Major
5. Le Monde , 2 August 1997
- 6 . Robin Cook
7. Gordon Brown
8. Edinburgh

۱. طرح موضوع

آلکس سالموند^۱ رهبر حزب ملی و سروزیر (نخست وزیر) دولت محلی اسکاتلند در تاریخ ۲۵ مه ۲۰۱۲ در جریان یک تجمع سیاسی، فرهنگی و مردمی در ادینبورگ رسماً آغاز پیکار سیاسی برای کسب استقلال سرزمین مزبور از انگلیس را اعلام نمود. حزب ملی اسکاتلند برای تحقق هدف مزبور در نظر دارد تا یک همه‌پرسی سراسری را در ۱۴ سپتامبر ۲۰۱۴ همزمان با هفتصدمین سالگرد جنگ "بناکبرن"^۲ که در آن نیروهای ملی اسکاتلند بر ارتش انگلیس پیروز شدند، با شرکت مردم این سرزمین برگزار نماید. حزب ملی اسکاتلند از زمان پیروزی در انتخابات پارلمان محلی در سال ۲۰۰۷ به تناوب ایده استقلال این سرزمین را مطرح و زمینه‌سنجی کرده است. نهایتاً رهبری این حزب در ۲۰ دی ۱۳۹۰ (۸ ژانویه ۲۰۱۲) لایحه استقلال اسکاتلند را برای بررسی بیشتر به پارلمان محلی ارائه و در ۵ بهمن ۱۳۹۰ (۲۳ ژانویه ۲۰۱۲) از عزم خود برای کسب استقلال خبرداد. در حال حاضر حزب ملی حاکم در اسکاتلند (با ۶۹ کرسی) با همراهی حزب سبزه‌ها^۳ (با ۲ کرسی) در مقابل احزاب محلی طرفدار اتحاد با انگلیس (کارگر با ۳۷ کرسی، محافظه کار با ۱۵ کرسی و لیبرال دموکرات با ۵ کرسی) اکثریت پارلمانی را در اختیار دارد و نسبت حامیان پارلمانی استقلال ۷۱ در برابر ۵۷ یا ۵۵/۵ درصد است. در خارج از پارلمان اتحادیه‌های تجاری، برخی چهره‌های حزب کارگر اسکاتلند و طیفی از رسانه‌ها از ایده استقلال حمایت می‌کنند. حزب ملی‌گرای اسکاتلند در صدد است تا پیش از تکمیل روند قانونی در پارلمان، ایده استقلال را به میان توده مردم اسکاتلند برده و مرکزیت لندن را در مقابل کل اعضای جامعه این سرزمین و خواست فراگیر آنها قرار بدهد. بدین منظور، حزب ملی اسکاتلند با شعار "آینده اسکاتلند در دستان اسکاتلندی‌ها"، بزرگترین پیکار سیاسی-اجتماعی تاریخ این سرزمین برای تدارک افکار عمومی و درگیری در فرایندی از تعامل میان مردم و سیاستمداران به منظور تسهیل روند دستیابی به استقلال و برگزاری یک همه‌پرسی ظرف مدت باقی‌مانده (تا پائیز ۲۰۱۴) تحت عنوان "آری به اسکاتلند مستقل" را آغاز کرده است، (خبرگزاری فارس، ۱۳۹۱/۳/۲۰: ۱).

مقامات دولت محلی و نیمه خودمختار اسکاتلند که در انتخابات قبلی با شعار تلاش برای کسب استقلال از دولت مرکزی انگلیس به پیروزی قاطعی دست یافتند، وعده داده‌اند که طی سال ۲۰۱۴ یک همه‌پرسی برگزار خواهند کرد. دولت مرکزی

1. Alex Salmond, Scotland's First Minister
2. 700 th anniversary of the Battle of Bannockburn
3. Green Party

انگلیس که مخالف استقلال اسکاتلند است، از ابتدای طرح موضوع همه‌پرسی، مخالفت خود را با جدایی اسکاتلند از "پادشاهی متحد بریتانیا" اعلام و تعهد نموده که همه تلاش خود را برای حفظ اسکاتلند در چارچوب نظام فعلی انگلیس به کار خواهد گرفت. این موضع دولت مرکزی در لندن با انتقاد حزب ملی اسکاتلند که قدرت را در دولت محلی ادینبورگ در اختیار دارد مواجه و مقامات اسکاتلندی تأکید کرده‌اند مردم این منطقه حق دارند آزادانه آینده سیاسی و سرنوشت کشور خود را تعیین نمایند. متعاقباً دیوید کامرون نخست وزیر کنونی انگلیس در یک مصاحبه تلویزیونی اعلام داشت آماده است تا در مورد برگزاری همه‌پرسی آتی اسکاتلند مباحثه نماید. وی با تعیین شرایطی برای برگزاری همه‌پرسی، تأکید نمود دولت مرکزی در انگلیس و پارلمان این کشور باید نحوه برگزاری همه‌پرسی در اسکاتلند، از جمله زمان و سئوالات آن را تایید نمایند، تا این موضوع جنبه رسمی و قانونی به خود بگیرد. براساس گزارش منابع خبری، دولت انگلیس قصد داشته و دارد تا با انتشار طرح مقدماتی و مشورتی خود در این زمینه، زمان برگزاری همه‌پرسی مذکور را جلو بیاورد و نوع سؤال مطروحه در این همه‌پرسی را به گونه‌ای طراحی کند که همه‌پرسی استقلال رأی نیابد و در عین حال بر جوانب منفی و عواقب ناگوار جدایی اسکاتلند تصریح گردد.

"نیکلا استروجن"^۱ معاون سر وزیر اسکاتلند با انتقاد از سخنان نخست‌وزیر انگلیس، وی را به دخالت در امور داخلی اسکاتلند متهم کرد. وی به رادیو بی.بی.سی چنین گفت: "حزب ملی اسکاتلند در جریان انتخابات پارلمانی سال گذشته برنامه روشنی درباره برگزاری همه‌پرسی به مردم ارائه کرده و ما قصد داریم براساس همین برنامه و در نیمه دوم دوره اخیر پارلمان اسکاتلند (۲۰۱۴) این همه‌پرسی را برگزار کنیم. ما می‌خواهیم سئوالات همه‌پرسی را نیز خودمان تعیین و گزینه‌های بیشتری را برای اعلام نظر در اختیار رأی‌دهندگان قرار بدهیم." استروجن اوایل فوریه ۲۰۱۳ سندی را با عنوان "آینده اسکاتلند" منتشر نمود که در آن یک جدول زمانی با نگاهی دقیق به گام‌های لازم برای جدایی از انگلیس ارائه شده است. وی در این سند عنوان داشته که رأی مثبت به جدایی، فرصتی بی‌سابقه به اسکاتلند و پارلمان ملی آن خواهد داد تا در آستانه روز استقلال در مارس ۲۰۱۶ بنیان قانونی محکمی را برای کشور ایجاد نماید. در سندی که دولت اسکاتلند منتشر کرده، آمده است نخستین انتخابات پارلمان مستقل در ماه مه همان سال برگزار و تنظیم قانون اساسی مستقلی که بازتاب

1. Nicola Sturgeon MSP, Deputy First Minister (Government Strategy and the Constitution) and Cabinet Secretary for Infrastructure, Investment and Cities, www.scotland.gov.uk

ارزش‌های مردم این سرزمین باشد، امری ضروری است. براساس نظرسنجی ۴ فوریه ۲۰۱۳، ۳۲ درصد از مردم از استقلال اسکاتلند حمایت، ۴۷ درصد مخالف، ۲۰ درصد بی نظر و ۱ درصد هم تمایلی به شرکت در همه‌پرسی نداشته‌اند (پرس‌تی.وی، ۱۸ بهمن ۹۱: ۱).

دولت اسکاتلند قصد دارد با زمینه‌سازی مناسب طی یک سال آینده سه گزینه: استقلال کامل از انگلیس، ادامه وضعیت موجود و همچنین افزایش اختیارات دولت محلی اسکاتلند را به رای عمومی بگذارد، ولی دولت انگلیس به دنبال آن است تا هرچه سریعتر دو موضوع استقلال کامل و یا ادامه وضعیت موجود را در معرض انتخاب مردم این سرزمین قرار بدهد و یک بار برای همیشه به موضوع استقلال اسکاتلند خاتمه بدهد. به عقیده کارشناسان در شرایط فعلی بخش قابل توجهی از جامعه اسکاتلند به دلیل نگرانی‌های اقتصادی و امنیتی، مخالف استقلال کامل این سرزمین از انگلیس بوده و خواستار واگذاری اختیارات بیشتری از سوی دولت مرکزی در لندن به دولت محلی در ادینبورگ می‌باشند. به همین دلیل دولت انگلیس تلاش می‌کند با بهره‌برداری روانی از این نگرانی‌ها، طرح همه‌پرسی استقلال اسکاتلند با ناکامی مواجه گردد (ایرنا ۱۳۹۰/۱۰/۱۹: ۱-۳).

به‌رغم اختلاف‌نظرهای مذکور سرانجام جمله‌بندی سؤال همه‌پرسی پائیز ۲۰۱۴ اسکاتلند در اوایل فوریه ۲۰۱۳ از سوی دولت محلی این سرزمین مشخص گردید، بدین صورت که: آیا اسکاتلند بایستی مستقل گردد؟ اگر اسکاتلندی‌ها به نفع استقلال رای بدهند، در آن صورت انتخابات پارلمانی اسکاتلند می‌تواند در می ۲۰۱۶ برگزار گردد. دولت محلی همچنین در اوایل فوریه ۲۰۱۳ "نقشه راه استقلال اسکاتلند"^۱ را برای آمادگی هر چه بیشتر متعاقب برگزاری همه‌پرسی، منتشر نمود. در نقشه راه همه‌پرسی برای پائیز ۲۰۱۴ پیش‌بینی شده و به دنبال رأی مثبت اسکاتلندی‌ها، روز اعلام رسمی استقلال نیز برای مارس ۲۰۱۶ در نظر گرفته شده است. در این سند درخواست‌هایی برای شروع مذاکرات میان طرفین ذی‌ربط جهت تدارک چنین امری پیشنهاد شده است. نیکلا استروجن انتشار سند مزبور را مشوقی برای بریتانیا جهت شروع مذاکرات مذکور دانسته است. در نقشه راه مثال‌هایی از نحوه اتحاد مجدد دو آلمان در سال ۱۹۹۰ و جدایی چکسلواکی سابق در ۱۹۹۳ مطرح شده‌اند (skynews.com).

"دیوید کامرون" نخست وزیر انگلیس اوایل فوریه ۲۰۱۳ طی اظهاراتی عنوان داشت: "مردم اسکاتلند در پائیز سال آتی تصمیمی خواهند گرفت که آثار آن می‌تواند

سرتاسر انگلند، ویلز و ایرلند شمالی را تحت تأثیر قرار بدهد. پادشاهی متحد بریتانیا به خاطر رفاه، قدرت و امنیت یکپارچه خود همواره در سرتاسر دنیا مورد تحسین بوده است. برگزاری المپیک تابستان سال گذشته به همه ما (اسکاتلند، انگلستان، ویلز و ایرلند شمالی) یادآوری کرد زمانی که با هم و در کنار هم باشیم، قوی‌تر و ایمن‌تر هستیم، چون همه ما در یک کشتی به سر می‌بریم". پیداست که کامرون و دولت محافظه‌کار وی تلاشی را برای مقابله با جدایی اسکاتلند و تأکید بر عواقب احتمالی آن شروع کرده‌اند. اظهارات کامرون یک هفته پس از انتشار نقشه راه دولت اسکاتلند برای برهه متعاقب برگزاری همه‌پرسی پائیز ۲۰۱۴ تا نیل به حاکمیت کامل در اوایل ۲۰۱۶، مطرح می‌گردد. کامرون ضمن اشاره به دستاوردهای بریتانیا در عرصه تأسیس نهادهای مدنی پیشرفته مانند "خدمات بهداشت ملی"^۱ و مبارزه برای کسب آزادی در جریان دو جنگ جهانی که موجبات تقویت و تعمیق ارتباطات میان مناطق مختلف بریتانیا را فراهم نمود، گفت که جسم و روح ما همچون گذشته در آینده نیز به هم گره خورده‌اند. نخست‌وزیر بریتانیا به‌طور ضمنی اعلام داشت: "اسکاتلند در درون پادشاهی متحد به مراتب قوی‌تر، ایمن‌تر، ثروتمندتر و عادل‌تر خواهد بود. اسکاتلند اختیارات تفویض‌شده بسیاری از جمله در زمینه بهداشت و آموزش داشته و در حوزه قضایی و حقوقی نیز مستقل می‌باشد". در نقشه راه مذکور پیشنهاد شده که متعاقب رأی مثبت اسکاتلندی‌ها در پائیز ۲۰۱۴، مذاکرات میان وزرای اسکاتلند و دولت بریتانیا، اتحادیه اروپا و سازمان‌های بین‌المللی می‌تواند تا مارس ۲۰۱۶ نهایی گردند. کامرون حزب ملی اسکاتلند را به خاطر بررسی روند انتقال نهایی به سوی استقلال پیش از مشخص شدن کلیه جوانب و حقایق خوب و بد مربوط به آن، مورد انتقاد قرار داد، اما نیکلا استروجن معاون سروزیر اسکاتلند ضمن حمایت از اقدام حزب ملی اسکاتلند خاطر نشان کرد: "کمیسیون انتخاباتی از هر دو طرف مباحثه استقلال خواسته بود تا مردم اسکاتلند را هر چه بیشتر در جریان اطلاعات مربوطه قرار بدهند و با هم در زمینه رخدادهای احتمالی متعاقب برگزاری همه‌پرسی همفکری و همکاری داشته باشند، ما با کمیسیون انتخاباتی توافق کرده و اطلاعات مربوط به انتقال به سوی استقلال پس از رأی مثبت مردم را منتشر کردیم. اظهارات کامرون بیانگر آن است که وی توصیه‌های این کمیسیون را به‌رغم درخواست‌های قبلی دولت مرکزی لندن از دولت اسکاتلند برای تبعیت از توصیه‌های آن نادیده گرفته است (skynews, com, 10 Feb, 2013: 1&2).

به نظر می‌رسد بحران اقتصادی جهانی و بازتاب و پیامدهای آن در بریتانیا، از جمله دستاویزهای دولت مرکزی انگلیس در تأکید بر این مسئله است که در صورت جدایی احتمالی اسکاتلند از اتحاد موجود، سرزمین مزبور بدون تردید با یک دوره ریاضت اقتصادی شدید روبرو شده و با توجه به تضعیف نهادهای مالی و بانکی اسکاتلند و ابهام در تعیین واحد پولی جدید آن، از امکانات و حمایت سیتی^۱ لندن (مرکزیت ملی و پولی انگلیس) و قدرت نرم و چانه‌زنی بریتانیا در مجامع منطقه‌ای و بین‌المللی نیز محروم خواهد شد. سیتی لندن از نقش مهمی در تکوین نظام و شرایط جاری اقتصادی بریتانیا برخوردار است. درآمدهای ناشی از فعالیت‌های بین‌المللی مرکز اقتصادی لندن یکی از عوامل مؤثر در تصمیم‌گیری‌های دولت‌های مرکزی در لندن بوده و هست. سیتی لندن همچنین نقش مهمی در مبادلات و معاملات مالی مرتبط با اقتصاد محلی دارد. بازار پولی سیتی لندن به دلیل قدمت تاریخی، ارائه تسهیلات و خدمات مالی، تنوع معاملات و وسعت عملیات در میان مراکز عمده مالی و اقتصادی بین‌المللی، همواره دارای موقعیت و اولویت خاصی بوده و در صورت ادامه وضعیت کنونی انتظار می‌رود در آینده نیز کماکان از امتیازات مشابه رقابتی برخوردار باشد (خالوزاده، ۱۳۷۷: ۱۴۰-۱۴۱).

۲. پیشینه موضوع

از منظر تاریخی جدایی دو بخش اسکاتلند و انگلیس همواره مطرح بوده است و پادشاهان اسکاتلند در طول تاریخ به دفعات برای کسب استقلال از بریتانیا با پادشاهان بریتانیا وارد نبرد شده‌اند. البته در اغلب موارد شکست خورده و در برخی موارد پیروز شده‌اند که یکی از مهم‌ترین آن‌ها جنگ "بناکبرن" در ژوئن ۱۳۱۴ بود که با پیروزی "رابرت یکم" شاه اسکاتلند و فرار "ادوارد دوم" پادشاه بریتانیا خاتمه پیدا کرد. جالب اینکه همه‌پرسی سال ۲۰۱۴ استقلال اسکاتلند نیز قرار است در هفتصدمین سالگرد این مناسبت تاریخی برگزار شود که خود می‌تواند یادآور خاطره پیروزی برای بسیاری از اسکاتلندی‌ها باشد (منبع: سایت تحلیلی خبری عصر ایران، ۱۳۹۰/۱۱/۲۹: ۱).

پادشاهی متحد بریتانیا در سال ۱۷۰۷ میلادی با امضای قراردادی میان دو پادشاهی اسکاتلند و انگلیس بطور رسمی تاسیس شد. از آن زمان تاکنون این دو منطقه اجزای اصلی کشور بریتانیا را تشکیل داده‌اند. بعدها و با استقلال جمهوری ایرلند از انگلیس در دهه ۱۹۲۰، دولت مرکزی انگلیس منطقه ایرلند شمالی را تحت حاکمیت

1. CITY

خود نگهداشت و با استفاده از نیروی نظامی اجازه نداد تا این منطقه به جمهوری ایرلند بپیوندد. مبارزات مردم ایرلند شمالی برای کسب استقلال از انگلیس به‌ویژه در دهه‌های ۱۹۷۰ و ۱۹۸۰ میلادی با سرکوب شدید دولت مرکزی مواجه و صدها نفر کشته و مجروح برجای گذاشت و همچنین صدها نفر دیگر از جمهوری خواهان ایرلند شمالی سال‌ها در زندان‌های انگلیس به سر بردند. هرچند درگیری نظامی در ایرلند شمالی در اواخر دهه ۱۹۹۰ میلادی و با امضای قرارداد صلح موسوم به "جمعه نیک" ^۱ به پایان رسید، ولی خواسته‌های احزاب و گروه‌های جمهوری خواه همچنان پابرجاست و در مناسبت‌های مختلف بروز و ظهور می‌یابد. "ویلز" یکی دیگر از مناطق تشکیل‌دهنده "پادشاهی متحد بریتانیا" عملاً از قرن ۱۳ میلادی تحت تسلط انگلیس قرار داشته است. این منطقه در اوایل قرن ۱۹ میلادی (۱۸۰۱) و حدود یک قرن پس از پیمان اتحاد انگلیس و اسکاتلند به عنوان یکی از اعضای تشکیل دهنده کشور بریتانیا شناخته شد. منطقه انگلیس که بزرگترین و پرجمعیت‌ترین منطقه تشکیل دهنده بریتانیا می‌باشد، بطور سنتی سلطه سیاسی و اقتصادی خود را بر سه منطقه دیگر حفظ کرده و همین سلطه باعث شده تا ساکنان اسکاتلند، ویلز و ایرلند شمالی هر زمان که فرصت و امکان مناسبی جهت طرح خواسته‌های خود پیدا نمایند در راستای کسب استقلال و یا حداقل خودمختاری تلاش کنند. تداوم چنین تلاش‌هایی در اواخر قرن بیستم باعث شد تا دولت مرکزی انگلیس به تدریج برخی از اختیارات خود را به دستگاه‌های محلی واگذار کند. اوج روند واگذاری و تفویض اختیارات به تأسیس پارلمان محلی اسکاتلند در سال ۱۹۹۹ مربوط می‌شود. این خودمختاری نسبی باعث شد تا مردم اسکاتلند کنترل امور داخلی خود را در بخش‌های مهمی مانند آموزش و پرورش، بهداشت و درمان، حمل و نقل و ارتباطات و امور قضایی در اختیار بگیرند. طی یک دهه گذشته همچنین اختیاراتی به مقامات محلی در ویلز واگذار شده، ولی میزان و سطح آن از اختیارات تفویض شده به اسکاتلند و ایرلند شمالی کمتر بوده است. این مسئله از یک طرف بیانگر اهمیت بیشتر اسکاتلند در مقایسه با دو منطقه دیگر برای دولت مرکزی انگلیس و از طرف دیگر نگرانی بیشتر آن از بابت احتمال تشدید گرایش‌های جدایی طلبانه در سرزمین یاد شده می‌باشد. در حال حاضر پارلمان و دولت محلی اسکاتلند می‌توانند برای حدود ۲۵ میلیارد پوند از بودجه سالانه خود در ادینبورگ تصمیم‌گیری نمایند، اما همچنان فاقد نهادهایی نظیر وزارت دفاع، وزارت امور خارجه و بانک مرکزی هستند.

جمعیت اسکاتلند در مقایسه با کل جمعیت انگلیس اندک، اما وسعت آن ثلث اراضی پادشاهی متحد را تشکیل می‌دهد. به‌علاوه دولت محلی اسکاتلند به لحاظ بهره‌مندی از منابع غنی نفت و گاز دریای شمال و البته منابع و ذخایر دریایی دیگر، معتقد است با حفظ برنامه‌های عدالت اجتماعی در حوزه آموزش و بهداشت، ایجاد شرایط رقابتی برای تجارت و صنعت و همچنین دسترسی به درآمد ناشی از نفت و گاز دریای شمال که در حال حاضر به خزانه دولت مرکزی ریخته می‌شود، قادر خواهد بود زندگی و شرایط اجتماعی بهتری را برای اسکاتلندی‌ها فراهم نماید، (میرطاهر، ۹۲/۲/۳۰: ۱).

حزب ملی اسکاتلند که از جمله احزاب ملی‌گرا و استقلال طلب به شمار می‌رود، طی سال‌های اخیر فعالیت‌های گسترده‌ای را در زمینه کسب اختیارات بیشتر از دولت مرکزی انگلیس آغاز و هدف نهایی خود را نیل به استقلال کامل تعیین کرده است. همان‌طوری که در بخش ضرورت موضوع عنوان شد، این حزب در انتخابات سال ۲۰۱۱ توانست پیروزی قاطعی به دست آورد و در حال حاضر اکثریت کرسی‌های پارلمان محلی اسکاتلند و دولت محلی را به تنهایی در اختیار دارد و این موضوع شرایط مطلوبی را برای حزب مذکور جهت برنامه‌ریزی و پیشبرد طرح استقلال مجدد اسکاتلند فراهم کرده است. ملی‌گرایی طی دهه‌های گذشته در سرزمین اسکاتلند به تدریج شدت یافته است. در این راستا توجه به چهره‌های اسطوره‌ای و شخصیت‌های ملی در حوزه‌های علمی، ادبی، فرهنگی و هنری نیز گسترش پیدا کرده است. الکساندر فلمینگ (۱۹۵۵-۱۸۸۱) متولد "لاچفیلد" اسکاتلند کاشف پنی‌سیلین و برنده جایزه نوبل مشترک پزشکی در ۱۹۴۵ یکی از صد نفر شخصیت موثر در تاریخ جهان تلقی شده است (Hart, 1987: 248-251). آدام اسمیت (۱۷۹۰-۱۷۲۳) فیلسوف نامدار، پدر علم اقتصاد مدرن و نظریه‌پرداز اصلی نظام سرمایه‌داری و نویسنده کتاب ثروت ملل در ۱۷۷۶، متولد منطقه "فایف" اسکاتلند بود (Hart, 1987: 218-222). قابل توجه این که تصویر وی توسط بانک مرکزی انگلیس در سال ۲۰۰۷ بر روی اسکناس‌های جدید بیست پوندی منتشر شد. توماس کارلایل مورخ، نویسنده و اندیشمند شهیر (۱۷۹۵-۱۸۸۱) نیز اسکاتلندی بود. مهم‌ترین کتاب او انقلاب کبیر فرانسه است. توماس رید فیلسوف مشهور (۱۷۹۶-۱۷۱۱) و دیوید هیوم فیلسوف و اندیشمند تجربه‌گرا و اقتصاددان معروف (۱۷۷۶-۱۷۱۱) هم اسکاتلندی بودند. شون کانری هنرپیشه معروف سینما از طرفداران حزب ملی اسکاتلند و احیای مجدد استقلال آن اعلام کرده تا زمانی که اسکاتلند

مستقل و آزاد نشده، در وطن خویش اقامت نخواهد گزید. رابرت بورنز^۱ شاعر ملی اسکاتلند که هر سال شبی به نام وی در این سرزمین برگزار می‌شود، رابرت بروس^۲ قهرمان ملی و شاه اسکاتلند پس از جنگ‌های استقلال اسکاتلند، سنت اندرو^۳ قدیس بزرگ اسکاتلند که یک روز تعطیلی عمومی (۳۰ نوامبر) به عنوان روز ملی به نام وی ثبت شده، نیز از جمله مشاهیر سرزمین یادشده قلمداد می‌گردند. فرهنگ اسکاتلندی مثل بقیه فرهنگ‌های قدیمی ظرافت و پیچیدگی‌های خاص خود را دارد. زندگی در متن برای بررسی ابعاد فرهنگی و ملی این سرزمین، یک امتیاز به شمار می‌آید و در واقع این دو مسئله از هم تفکیک‌پذیر نیستند (Pittock, 2008: 199). اسکاتلند مشاهیر و قهرمانان ملی قابل توجهی دارد. سرزمین مزبور از مدت‌ها قبل مؤسسات هنری و ادبی خود را داشته و حیات فرهنگی مستقلی را تجربه کرده است. به‌دنبال اتحاد سال ۱۷۰۷ اسکاتلند با انگلیس، حفظ و گسترش خودگردانی مؤسسات ملی، فضایی را برای حوزه عمومی داخلی تحت ریاست نخبگان ایجاد نمود. در قرن هیجدهم میلادی زبان مادری اسکاتلندی، به ویژه در شعر وضعیتی استوار در آثار شاعران بومی پیدا کرد. اپرای اسکاتلند در سال ۱۹۶۲ تأسیس و از ۱۹۷۵ در محلی دائمی واقع در تئاتر سلطنتی شهر گلاسکو مستقر گردید. شورای هنر اسکاتلند در سال ۱۹۶۷ جایگزین کمیته اسکاتلندی شورای هنر بریتانیا شده و سپس در سال ۱۹۹۴ تبدیل به یک نهاد کاملاً مستقل گردید (Pittock, 2008: 114-136). لازم به ذکر است اسکاتلند زمانی کانون روشنفکری و همچنین مهد علم پزشکی و تشریح در قرون ۱۸ و ۱۹ میلادی در اروپا بوده و افراد سرشناس و معروفی را در حوزه ادبیات، هنر و علوم به جامعه بشری ارائه کرده است. از ویلیام والاس^۴ به عنوان آزادیخواه اسکاتلندی که در این راه جان باخته است یاد می‌شود، (عزیزی، ۱۳۹۱: ۱). والاس از جمله مهم‌ترین افرادی است که تلاش زیادی برای تبلیغ ابعاد مختلف شخصیتی وی به عنوان عقبه ملی‌گرایی اسکاتلند صورت گرفته است. در کتاب "به‌دنبال جای پای ویلیام والاس در اسکاتلند و شمال انگلیس"، اثر آلن یانگ^۵ (محقق و نویسنده تاریخ قرون وسطی بریتانیا در کالج دانشگاه ریپون و یورک سنت جان) و مایکل جی. استید^۶ (عکاس مشهور بریتانیایی)، ادعا شده است که با بررسی محدوده وسیع‌تری از منابع معاصر و مدرن سعی در ترسیم چهره واقعی این

1. Robert Burns
2. Robert the Bruce
3. Saint Andrew – Patron Saint of Scotland
4. William Wallace
5. Alan Young
6. Michael J. Stead

شخصیت اسطوره‌ای و مکان‌های مرتبط با حیات و فعالیت وی داشته است. در کتاب مذکور والاس از جنبه سوابق پژوهش‌های تاریخی اخیر در دو حوزه جامعه سیاسی اسکاتلند در اواخر قرون ۱۳ و ۱۴ میلادی و حاکمیت بلاواسطه ادوارد اول^۱ بر اسکاتلند پس از ۱۲۹۶، مورد بررسی قرار گرفته است. در مجموع مؤلفین فوق مدعی شده‌اند هر کسی به دنبال شناخت دقیق پدیده‌ای به نام والاس در تاریخ اسکاتلند است باید مقدمتاً به بررسی دیدگاه معاصرین وی نسبت به او بپردازد و تنها پس از آن است که می‌توان به درستی پی برد که کی، چطور و چرا افسانه و روایات متداول پیرامون شخصیت وی ایجاد و گسترش یافته است. کتاب مزبور با ذکر این که اسناد معاصر تاریخی مربوط به والاس تنها محدود به سال‌های ظهور ناگهانی وی در صحنه نظامی در ۱۲۹۷ و مرگ وی در سال ۱۳۰۵ میلادی می‌گردند، ادعا نموده در مورد والاس بیش از اندازه شخصیت‌پردازی شده تا به عنوان یک قهرمان ملی و فدائی راه آزادی مطرح گردد. همچنین با احداث موزه، مجسمه و بناهای یادبود و معرفی محل تولد پدرش و... تلاش شده با عقبه سازی از وی برای تقویت ملی‌گرایی در میان اسکاتلندی‌ها و تشویق گردشگران خارجی به آشنایی بیشتر با نامبرده به عنوان نماد ملی اسکاتلند بهره‌برداری به عمل آید (Young & J.Stead, 2011: vii and 1-23). به هر حال علی‌رغم نظر مطروحه در کتاب یاد شده، بیشتر اسکاتلندی‌ها به دیده احترام به والاس می‌نگرند و او را به عنوان اسطوره ملی و رهبر نبردهای استقلال اسکاتلند تلقی می‌کنند.

روند اتحادگرایی به عنوان نقطه مقابل روند ملی‌گرایی نیز طرفدارانی در اسکاتلند داشته و دارد، هرچند این روند طی دهه‌های گذشته دچار تغییر و تحول گردیده است. اتحادگرایی اگرچه ایدئولوژی غالب در اسکاتلند بین مقطع ۱۷۰۷ و حال حاضر بوده است، اما می‌توان گفت که اتحادگرایی قربانی بی‌توجهی شدید شده است. کولین کید^۲ (پروفسور تاریخ مدرن در دانشگاه گلاسکوی اسکاتلند و استاد یکی از کالج‌های آکسفورد) به عنوان یکی از مورخین ممتاز عصر حاضر از نو نگاهی به این موضوع اساسی در عرصه تاریخ، سیاست و قوانین بریتانیا انداخته است. وی تاریخچه نظریه‌های اتحادگرایی را از اوایل قرن شانزدهم میلادی تا مقطع کنونی ردیابی و بررسی کرده و مدعی شده که اتحادگرایی پیش از وقوع اتحاد ۱۷۰۷ میلادی نیز دارای ریشه و سابقه بوده و واکنشی نسبت به نگرش انگلیس به عنوان یک امپراطوری بوده است. اتحادگرایی مدرن اسکاتلندی، قسمت زیادی از میانه زمین بین افراطی‌های طرفدار ادغام با انگلیس یا جدایی از آن را اشغال کرده است. اتحادگرایی اسکاتلندی در

1. Dward I

2. Colin Kidd

واضح‌ترین شکل آن یعنی حمایت از اتحاد بریتانیا با ایرلند در ۱۸۰۰ میلادی را نه به‌مثابه یک ایدئولوژی ساده و نه به عنوان یک اتحاد غیرهم ستیز انگلیس و اسکاتلند در ۱۷۰۷ می‌توان تفسیر نمود. در زمانی که آینده و سرنوشت اتحاد انگلیس و اسکاتلند هرگز تا به این اندازه تحت بررسی و موشکافی قرار نداشته، می‌توان ادعا کرد که پیشینه این اتحاد نیازمند یک بررسی شفاف و قانع‌کننده از سوی افرادی مانند کولین کید است. این مسئله بدون تردید مباحثات شدید و عمیقی را هم در داخل اسکاتلند و هم بیرون از آن ایجاد کرده و خواهد کرد (Kidd, 2008 : 1st Page before Preface).

به‌دنبال پیروزی چشمگیر حزب ملی اسکاتلند در انتخابات پارلمانی سال ۲۰۱۱، آلکس سالموند رهبر حزب ملی اسکاتلند از حمایت معنوی لازم برای برگزاری یک همه‌پرسی پیرامون استقلال این سرزمین برخوردار گردید. براساس توافق ۱۵ اکتبر ۲۰۱۲ دیوید کامرون نخست وزیر کنونی انگلیس و آلکس سالموند سروزیر دولت محلی اسکاتلند، قرار شده است همه‌پرسی اسکاتلند تا قبل از پایان ۲۰۱۴ برگزار گردد. انتظار می‌رود اسکاتلندی‌های دارای حداقل ۱۶ سال سن با شرکت در رفراندوم مزبور به سئوالی در مورد جدایی از انگلیس پس از حدود ۳۰۷ سال اتحاد با این کشور پاسخ مثبت یا منفی بدهند (1: South Atlantic News Agency, 15 Oct.2012).

۳. اهمیت اسکاتلند برای انگلیس

اسکاتلند پس از انگلیس دومین منطقه وسیع بریتانیا می‌باشد که از جنوب به سرزمین اصلی انگلیس محدود می‌گردد. این منطقه با توجه به داشتن بنادر مهم و حیاتی و همچنین استقرار پایگاه‌های زیردریایی‌های هسته‌ای انگلیس در آن، از نظر راهبردی از اهمیت ویژه‌ای برای دولت مرکزی انگلیس و ناتو برخوردار است. "ان. ای. ام. راجر" در کتاب خویش تحت عنوان: "مراقبت از دریاها"^۱، در مورد عناصر غیر انگلیسی تاریخ دریایی بریتانیا قضاوت منصفانه‌ای داشته است. وی یکی از بزرگترین نقاط عطف و دستاوردهای دریایی بریتانیا را به اسکاتلند نسبت داده است. این در حالی است که به‌زعم نامبرده، ما هم اکنون در عصری به سر می‌بریم که بسیاری مایل به نادیده‌گرفتن اهمیت دریاها بوده و قسمت اعظم معارف و فرهنگ دریاها به دست فراموشی سپرده شده است (Lavery, 2007: xi). هیچ تردیدی در مورد اهمیت و نقش دریا در فرهنگ و تاریخ اسکاتلند وجود ندارد. "گوردون دونالدسون"^۲ از مورخان برجسته در مقدمه یکی

1. N.A.M Rodger
2. Safeguard of the Seas
3. Gordon Donaldson ,The Eminent Historian

از آثار مهم خویش چنین آورده است: "کوه‌ها و دریاها دو عارضه اصلی نقشه اسکاتلند را تشکیل می‌دهند. کوه‌ها بیشتر در نقش مانع ظاهر شده تا مشوق و ثروت، اما دریاها همواره به غایت مهم بوده و مسیرهای مهاجرت به داخل و به خارج و همچنین تجارت و منابعی همچون آبیان و نفت را فراهم کرده‌اند. اسکاتلند دارای خطوط ساحلی متفاوتی در شرق و غرب اراضی خود می‌باشد که منجر به ایجاد دو فرهنگ مختلف در گلاسکو و ادینبورگ شده است. اولی متمایل به ارتفاعات و جزایر غربی، ایرلند و آمریکا بوده و دومی به انگلیس و اروپا چشم دوخته است. در واقع در هیچ جای انگلیس نمی‌توان دو شهر نزدیک به هم از لحاظ جغرافیایی را پیدا کرد که از نقطه نظر فرهنگی تا این اندازه از هم دور باشند. جالب این که انگلیس به خود می‌بالد که کلیه ساکنان این کشور به‌طور متوسط بیشتر از ۸۰ مایل تا نزدیک‌ترین دریا فاصله ندارند، در حالی که در اسکاتلند این فاصله به نصف یعنی ۴۰ مایل کاهش می‌یابد. در مجموع اسکاتلندی‌ها غالباً در ماهیت و فلسفه قدرت دریایی انگلیس مانند بقیه جوانب اقتدار امپراطوری بریتانیا نقش اساسی برعهده داشته‌اند. اسکاتلند به عنوان شمالی‌ترین نقطه انگلیس که از ظرفیت سیطره بر دریاهای شمال اروپا و تحدید نقل و انتقالات آلمان، هلند، روسیه و کشورهای اسکاندیناوی برخوردار است، از منظر راهبردی از اهمیت بالایی برای بریتانیا برخوردار می‌باشد. سرزمین مزبور همچنین دارای بنادر بسیار مطلوبی است که به ندرت برای مقاصد غیرنظامی مورد بهره‌برداری قرار گرفته‌اند و به لحاظ موقعیت جغرافیایی در مقایسه با دیگر مناطق انگلیس کمتر در معرض بمباران، تهاجم و مصادره کشتی‌های تجاری قرار داشته‌اند. نقش نیروی دریایی در اسکاتلند مسائل مهمی را در ارتباط با هویت این سرزمین مطرح می‌سازد. اسکاتلندی‌های شاغل در نیروی دریایی همواره با یک معضل قدیمی روبرو بوده‌اند: اینکه هویت ملی خود را حفظ بکنند یا این که در یک کلیت تحت سلطه انگلیس ادغام گردند، (Lavery, 2007: xii). پایگاه‌های دریایی اسکاتلند از اوایل قرن بیستم میلادی تا به حال از اهمیت راهبردی برای نیروی دریایی سلطنتی انگلیس برخوردار بوده‌اند. مکان‌هایی مانند "هلن‌بورگ"^۱ و "دانفرملین"^۲ هرگز با شهرهایی مثل "چاتم"^۳، "پورتسموث"^۴ یا "پلیموث"^۵ که تاریخچه آن‌ها به‌طور کامل با نیروی دریایی عجین شده و فعالیت ناوگان‌های دریایی در کلیه جوانب اقتصادی و فرهنگی حیات آن‌ها رسوخ کرده، به هیچ‌وجه قابل مقایسه نمی‌باشند. سهم و

1. Helensburgh
2. Dunfermline
3. Chatham
4. Portsmouth
5. Plymouth

مشارکت تاسیسات کشتی‌سازی اسکاتلند نیز خود قصه جداگانه‌ای دارد و اگر این مسئله را نادیده بگیریم و حتی اگر همه ناوگان بحریه انگلیس در جای دیگری ساخته شده بودند، بازهم در اهمیت نقش اسکاتلند در پیشرفت و تاریخ نیروی دریایی بریتانیا تفاوتی ایجاد نمی‌شود. حکایت نیروی دریایی سلطنتی در اسکاتلند همیشه یادآور رابطه‌ای دشوار و پیچیده با انگلیس بوده است. رابطه‌ای که توأمان دربرگیرنده موارد منفی مثل ظهور ناوگان کرامول در جایی دور از مکان اصلی، احداث پایگاه‌های دریایی منفوری مانند "فاسلین" و موارد مثبتی مثل نقش افسران اسکاتلندی در جنگ با فرانسه، ایجاد فرصت‌های شغلی و مسافرتی و گردشگری در طول چند قرن اخیر و مباحث اسکاتلند به لحاظ نقش مؤثر آن در جنگ جهانی دوم می‌باشد که خود متضمن پیام‌های مهمی برای اسکاتلند و پادشاهی متحد انگلیس در حال و آینده می‌باشند (Lavery, 2007: xiii).

پس از کشف منابع نفت و گاز در دریای شمال در دهه ۱۹۷۰، اهمیت اقتصادی اسکاتلند برای بریتانیا چندین برابر گردیده است. این امر باعث شده تا از یک طرف مردم اسکاتلند موضوع کسب استقلال از دولت مرکزی را با جدیت بیشتری دنبال کنند تا سهم عادلانه‌ای از درآمدهای نفتی دریای شمال نصیب آنان گردد و از طرف دیگر دولت مرکزی در لندن را در تداوم حفظ اسکاتلند در چارچوب نظام سیاسی فعلی مصمم‌تر کرده است. "دیوید کامرون" نخست وزیر انگلیس در مصاحبه چندی پیش خود با تلویزیون "اسکای نیوز" مخالفت خود را با استقلال کامل اسکاتلند اعلام و چنین گفت: "آلکس سالموند رهبر حزب ملی اسکاتلند و سروزیر این منطقه هم می‌داند که اکثر مردم قلباً خواستار جدایی از انگلیس نیستند. ادامه این وضعیت باعث بی‌ثباتی و عدم اطمینان اقتصادی در منطقه اسکاتلند و کل انگلیس می‌شود و باید هر چه زودتر به این وضعیت پایان داده شود." "جورج آزبورن" وزیر خزانه‌داری انگلیس نیز مدتی قبل هشدار داد که اگر اسکاتلند مستقل از واحد پولی پوند استفاده کند، کنترل بر بخش‌های مهمی از اقتصاد خود را از دست خواهد داد و ابهام درباره آینده اسکاتلند به سرمایه‌گذاری‌ها در این کشور آسیب خواهد زد. این در حالی است که "آلکس سالموند" معتقد است تقاضا برای همه‌پرسی استقلال، اعتبار بین‌المللی اسکاتلند و جذب سرمایه‌گذاری در این سرزمین را افزایش داده است. لازم به ذکر است دولت انگلیس با هدف جلوگیری از استقلال اسکاتلند گزارشی را در ۲۰ مه ۲۰۱۳ منتشر نمود که براساس آن جدایی این سرزمین از بریتانیا از نظر اقتصادی به هیچ وجه به صرفه نبوده و

در صورت تحقق جدایی، بانک‌های اسکاتلندی دچار مشکلات مالی عیدیه‌ای خواهند شد. مقامات لندن اعلام کرده‌اند اسکاتلند باید میلیاردها پوند کمک‌های مالی دولت مرکزی را عودت و واحد پول ملی خود را ایجاد کند که خود این موضوع موجب بی‌ثباتی اقتصادی و شیوع بیکاری در سرزمین اسکاتلند خواهد شد. این درحالی است که "جان سوئینی"^۱ وزیر دارایی اسکاتلند این موضوع را انکار و گزارش مزبور را بی‌اعتبار خوانده است. با تمام این احوال به گفته تحلیل‌گران مسائل منطقه، جدایی اسکاتلند از بریتانیا می‌تواند مشکلات مهمی را برای این کشور ایجاد نماید (میرطاهر، سیدرضا، ۹۲/۳/۲۰: ۱).

همچنین، "ویلیام هیگ" وزیر امور خارجه و مشترک‌المنافع انگلیس^۲ اخیراً عنوان داشت بریتانیا در حال حاضر مؤثرترین کشور در جهان در زمینه استفاده از قدرت نرم دیپلماتیک به منظور تاثیرگذاری بر رخدادهای مهم جهانی و پیشبرد منافع خود است و در صورت جدایی اسکاتلند از انگلیس، بخشی از قدرت آن از بین خواهد رفت و اسکاتلند نیز لاجرم از این مسئله متاثر و کرسی‌های بین‌المللی خود را از دست خواهد داد. هیگ در سخنرانی خود در ادینبورگ هشدار داد که اسکاتلند در صورت استقلال در مقابل تلاش‌های خود در پیوستن به اتحادیه اروپا نیز با مقاومت و مخالفت روبرو خواهد شد. وزیر خارجه انگلیس همچنین تأکید نمود در صورت تضعیف انگلیس، قابلیت آن برای مقابله با مشکلات جهانی کاهش و تضمینی وجود نخواهد داشت که اسکاتلند مستقل هنگام مذاکره برای عضویت در اتحادیه اروپا بتواند از چنین حقی برخوردار گردد، چون نیاز به جلب رضایت همه ۲۸ کشور عضو اتحادیه دارد. در صورتی که سالموند به تهدید خود در برچیدن سلاح‌های هسته‌ای انگلیس از منطقه "کلاید"^۳ جامه عمل بپوشاند، درخواست اسکاتلند برای عضویت در ناتو نیز می‌تواند با مشکل مواجه گردد.

پایگاه نظامی و دریایی کلاید در ۴۰ کیلومتری غرب گلاسکوی اسکاتلند قرار داشته و شامل دو سایت مختلف "فاسلین"^۴ و "رناد کولپورت"^۵ می‌گردد که زیردریایی‌های پیشرفته هسته‌ای انگلیس را در خود جای داده است. لازم به ذکر است

1. John Swinney MSP, Cabinet Secretary for Finance, Employment and Sustainable Growth, www.scotland.gov.uk
 2. The Rt Hon William Hague MP, Secretary of State for FCO (Foreign and Commonwealth Office), www.gov.uk
 3. HMNB Clyde (Her Majesty's Naval Base Clyde)
 4. Faslane Naval Base, 25 miles from Glasgow
 5. RNAD Coulport, 3.2 Km west of Faslane

پایگاه مزبور در کنار دو پایگاه "دوونپورت"^۱ و "پورتسموث"^۲ سه پایگاه فعال و اصلی نیروی دریایی بریتانیا را تشکیل می‌دهند که اهمیت آن نزد انگلیس نیازی به توضیح اضافی ندارد.

در صورت استقلال اسکاتلند، ایجاد و تأسیس سفارتخانه‌ها، سازمان‌ها و نهادهای جدید اطلاعاتی، نظامی و امنیتی و دیگر زیرساخت‌های لازم، هزینه‌های گزافی را به مالیات‌دهندگان اسکاتلندی تحمیل خواهد کرد، ضمن این که نمی‌توان امید داشت که یک اسکاتلند مستقل از سطح امنیتی مشابهی در مقایسه با امنیت کنونی برخوردار باشد (خبرگزاری ایسنا، ۹۲/۴/۱: ۲۰۱). اندیشه در مورد نیروی دریایی مستقل اسکاتلند جالب است. حزب ملی اسکاتلند مخالف تأسیس پایگاه فاسلین و جنگ انگلیس علیه عراق بود. حزب مزبور همچنین مخالف ادغام یا تجزیه لشگرها و هنگ‌های قدیمی و کاهش زیرساخت‌های نظامی است. یک وب‌سایت مربوط به نیروی دریایی اسکاتلند در دهه ۱۹۹۰ یک نیروی بزرگ شامل ۵۶ کشتی، از جمله ۴ زیردریایی اتمی، ۱۱ ناو محافظ و ناوشکن را برای اسکاتلند مستقل پیشنهاد کرده بود.

بر اساس نظرسنجی‌های متعددی که طی سال‌های اخیر در اسکاتلند برگزار شده‌اند، حدود ۷۰ درصد مردم این منطقه از برگزاری همه‌پرسی حمایت می‌کنند، هرچند بخشی از آن‌ها به جای استقلال کامل، طرفدار انتقال و تفویض بیش از پیش قدرت و اختیارات از لندن (مرکز) به ادینبورگ هستند. نتایج نظرسنجی‌های مزبور نشان می‌دهند که در حال حاضر بیش از ۳۲ درصد مردم اسکاتلند از استقلال کامل حمایت می‌کنند، به همین دلیل دولت مرکزی انگلیس قصد دارد با برگزاری یک همه‌پرسی مشروط که شکست طرفداران استقلال را به دنبال داشته باشد، پرونده جدایی اسکاتلند از بریتانیا مختومه گردد.

۴. عواقب و پیامدهای استقلال اسکاتلند برای بریتانیا

سرنوشت ناوگان زیردریایی‌های هسته‌ای مستقر در اسکاتلند و منابع نفتی دریای شمال، دو نمونه مهم امنیتی و اقتصادی هستند که دلالت بر اهمیت تداوم حفظ اسکاتلند در چارچوب سیاست کنونی برای انگلیس دارند. تشدید تمایلات جدایی‌طلبانه در سایر مناطق بریتانیا همچون ایرلند شمالی و یا درخواست تفویض اختیارات و استقلال بیشتر در زمینه تصمیم‌گیری در امور سیاسی، امنیتی و دفاعی و مالی، تضعیف موقعیت

1. MNB Devonport
2. HMNB Portsmouth

انگلیس در اتحادیه اروپا، ناتو، هشت کشور صنعتی، گروه بیست، سازمان ملل متحد و شورای امنیت و... نیز از جمله پیامدهای احتمالی جدایی تدریجی اسکاتلند از بریتانیا محسوب می‌گردند که ذیلاً در سه سطح ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی به بررسی آنها پرداخته می‌شود.

۴-۱. در سطح ملی

ایجاد کشوری به نام اسکاتلند به معنای تجزیه و شروعی بر پایان چارچوب سیاسی بریتانیا به شکلی که از جنگ جهانی دوم تاکنون شناخته می‌شود، تلقی خواهد شد؛ در صورت جدایی اسکاتلند از بدنه بریتانیا ۵/۵ میلیون نفر از جمعیت ۶۰ میلیونی، یک سوم از قلمرو ۲۴۰ هزار کیلومتر مربعی، بخش مهمی از منابع نفت و گاز دریای شمال، تاسیسات و پایگاه‌های هسته‌ای نظامی و غیرنظامی و بخش مهمی از صنایع انگلیس از آن جدا خواهند شد. به علاوه، انگیزه و زمینه‌ای برای مناطق ویلز و ایرلند شمالی جهت خروج از اتحاد با انگلیس فراهم خواهد شد. با تضعیف جایگاه، اعتبار و انسجام داخلی جامعه انگلیس، موجودیت نظام سلطنتی فرتوت آن نیز با ابهامات بیشتری مواجه خواهد شد؛ این فرایند به نوبه خود بحران مالی اقتصادی و اجتماعی این کشور را تشدید خواهد نمود. توجه به اظهارات "دیوید کامرون" نخست وزیر انگلیس که جلوگیری از استقلال اسکاتلند را پیکاری با همه نیرو و توان که با جان و ذهن و روح همه انگلیسی‌ها ارتباط دارد، توصیف کرده است، خود گویای اهمیت موضوع و پیامدهای احتمالی آن می‌باشد. "وینستون چرچیل" نخست وزیر بریتانیا در دوره جنگ جهانی در تاریخ ۱۸ مارس ۱۹۴۶ طی سخنانی چنین گفته بود: "سیاست دفاعی انگلیس حامی سیاست موسع امنیت این کشور است که هدف آن حفظ آزادی و دفاع از حاکمیت ارضی کشور و سرزمین‌های وابسته به آن و همچنین قادر ساختن آن به پیگیری منافع ملی در داخل و خارج می‌باشد" (خالوزاده، ۱۳۷۷: ۱۹۷).

در سطح ملی انگلیس، پیامد اول جدایی اسکاتلند به این معنا خواهد بود که کار دولت بریتانیا به جایی رسیده که حتی از حفظ تمامیت ارضی قلمروی داخلی خود ناتوان است. در پیامد دوم این جدایی می‌تواند دولت لندن را از منابع نفت و گاز دریای شمال، تعدادی از پایگاه‌های نظامی-دریایی و حتی بنادر حیاتی و راهبردی که طی چندین دهه جنگ سرد و دهه‌های اخیر تجهیز و نوسازی شده، محروم نماید و در پیامد سوم، جدایی اسکاتلند می‌تواند پیش زمینه‌ای برای تشویق و جدیت سایر مناطق، از

1. Winston Churchill, Prime Minister of the United Kingdom from 1940-1945 and again from 1951-1955

جمله ایرلند شمالی و ویلز برای خودمختاری بیشتر و یا جدایی از بریتانیا باشد، البته باتوجه به درصد موافقین و مخالفین جدایی اسکاتلند از بریتانیا و نظر به این که سرزمین اسکاتلند خود مجموعه‌ای از ۷۹۰ جزیره است که تنها ۱۳۰ مورد آن مسکونی است، احتمال درخواست بعدی بعضی از این جزایر برای جدایی از بدنه اسکاتلند را نباید از نظر دور داشت.

۴-۲. در سطح منطقه‌ای

آینده روابط اتحادیه اروپایی با انگلیس همواره از مباحث بحث‌برانگیز و داغ بوده است. استقلال اسکاتلند می‌تواند از وزن و اعتبار انگلیس به عنوان یک کشور بزرگ اروپایی (همچون آلمان و فرانسه) در صحنه رقابت‌های اروپایی کاسته و اقتصاد غیر مولد آن را با یک رقیب تازه نفس و همجنس (اسکاتلند مستقل)، به‌ویژه در زمینه‌های بانکداری، بیمه، تجارت و خدمات مالی و دریایی روبرو سازد. همچنین این امکان وجود دارد که بخشی از مناسبات سیاسی و اقتصادی اروپایی‌ها به‌خصوص کشورهای اروپای شمالی، گروه آلمان و روسیه به سمت اسکاتلند جدیدالتأسیس هدایت شده و آن‌ها از اهرم اسکاتلند مستقل برای مهار و کنترل سیاست‌های اروپایی لندن بهره‌برداری نمایند. از سوی دیگر اینکه رقابت‌های اروپایی از داخل قاره به داخل جزیره بریتانیا گسترش یافته و کارکرد قدرت راهبردی انگلیس در اروپا به پائین‌ترین سطح ممکن از زمان جنگ جهانی دوم به این طرف تنزل یابد، محتمل می‌باشد. در خوش‌بینانه‌ترین حالت به نظر می‌رسد انگلیس تجزیه شده به کشوری متوسط و نه چندان مؤثر و قوی در قاره اروپا تبدیل گردد. تأکید دیوید کامرون بر این موضوع که با حفظ اسکاتلند در پادشاهی متحد بریتانیا، اسکاتلندی امن‌تر و بی‌طرف‌تر خواهیم داشت، خود نشانگر نگرانی لندن از تجزیه بریتانیا است. از طرف دیگر موضوع خروج انگلیس از اتحادیه اروپا و عدم ادغام آن در حوزه یورو و شنگن که به عنوان دغدغه این اتحادیه از سال‌ها قبل مطرح بوده است، رنگ و بوی دیگری به خود می‌گیرد. نظرسنجی‌ها نشان می‌دهند که انگلیسی‌ها درخصوص باقی‌ماندن در اتحادیه نظر یکسانی ندارند و اکثریت خواستار خروج از اتحادیه می‌باشند، در حالی که هنوز بسیاری در این زمینه مردد هستند. دیوید کامرون نخست‌وزیر انگلیس در دیدار ۲۶ تیر ۹۲ (۱۷ ژانویه ۲۰۱۳) با "انریکو لتا" نخست‌وزیر ایتالیا به وی قول داد چنانچه حزب محافظه‌کار در انتخابات ۲۰۱۵ پیروز شود، برای بررسی خروج انگلیس از اتحادیه اروپا تا پایان سال ۲۰۱۷ همه‌پرسی مورد نظر را برگزار نماید. کامرون معتقد است که می‌تواند امتیازاتی از اتحادیه اروپا در این زمینه دریافت نماید (روزنامه همشهری، ۲۷ تیر ۹۲: ۷).

حزب محافظه‌کار به‌ویژه جناح راست آن از مخالفین اصلی همگرایی انگلیس با اتحادیه اروپا می‌باشد. لرد لامونت^۱ وزیر خزانه‌داری پیشین بریتانیا در این رابطه چنین گفته بود: "حزب محافظه‌کار به طور کلی مخالف وحدت اروپاست و از طرفی انگلیس در ارز واحد اروپا و وحدت سیاسی و دفاعی اروپا شرکت نخواهد کرد" (خالوزاده، ۱۳۷۷: ۸ تا ۱۴). این در حالی است که حزب کارگر بریتانیا موافق ادغام بیشتر با اتحادیه اروپا می‌باشد. تونی بلر رهبر سابق حزب کارگر انگلیس در این رابطه چنین اظهار داشته است: "من و بسیاری از مردم بریتانیا مخالف هرگونه اروپاستیزی هستیم و شکی ندارم که بریتانیا باید آینده خود را در اروپا جستجو نموده و در قلب اروپا باشد و نه در حاشیه آن..." (خالوزاده، ۱۳۷۷: ۳). دولت وقت بلر اعلام نمود مقدماتاً سه مرحله برای پیوستن بریتانیا به وحدت اقتصادی و پولی اروپا باید محقق شود. اول تصمیم متفق اعضای کابینه، دوم نظر مثبت مجلسین انگلیس (مجلس عوام و مجلس اعیان) و سوم کسب نظر مثبت مردم از طریق مراجعه به آرای عمومی و تنها در صورت تحقق این سه مرحله، الحاق انگلیس به یورو به وقوع خواهد پیوست (خالوزاده، ۱۳۷۷: ۱۸۴).

صرف نظر از اختلاف قبلی میان انگلیس و اتحادیه اروپا در خصوص ارائه و تداوم امتیازات انحصاری در برخی حوزه‌ها که از محورهای بحث ریاست‌های دوره‌ای اتحادیه اروپا با دول حاکم در انگلیس بوده است، استقلال اسکاتلند از انگلیس می‌تواند روابط فعلی و آتی لندن با اتحادیه اروپا را دچار تغییر و تحول اساسی نماید. روابط ویژه و مستحکم انگلیس با آمریکا طی دهه‌های گذشته، باعث شده بود تا لندن در مراودات اروپایی خویش همواره گوشه چشمی هم به روابط و منافع مشترک خویش با آن سوی اقیانوس اطلس داشته باشد. دیدگاه سنتی حزب محافظه‌کار بریتانیا در مخالفت با همگرایی با اتحادیه اروپا به خاطر این که همه‌پرسی مربوط به اسکاتلند قرار است در ۱۴ سپتامبر ۲۰۱۴ یعنی در زمان حاکمیت دولت محافظه‌کار و نخست‌وزیری دیوید کامرون در انگلیس برگزار گردد، از اهمیت مضاعفی برخوردار است. به نظر می‌رسد دولت محافظه‌کار فعلی بریتانیا در راستای اهداف خود احتمالاً سعی خواهد نمود از این مسئله در جهت اخذ امتیازاتی از طرف مقابل به نفع خود بهره‌برداری لازم را به عمل آورد.

همان‌طور که گفته شد، "ویلیام هیگ" وزیر خارجه کنونی دولت محافظه‌کار انگلیس اخیراً طی سخنانی در ادینبورگ خاطرنشان کرد در صورت تضعیف انگلیس، قابلیت آن برای مقابله با مشکلات جهانی کاهش یافته و تضمینی وجود نخواهد داشت

1. Lord Lamont, Former British Chancellor of the Exchequer, www.gov.uk

که اسکاتلند مستقل هنگام مذاکره برای عضویت در اتحادیه اروپا بتواند از این حقوق برخوردار گردد، چون این عضویت نیازمند رضایت همه ۲۸ کشور عضو اتحادیه می‌باشد. اسکاتلند همچنین برای عضویت در ناتو نیز می‌تواند با مشکل مواجه گردد، چرا که سالموند ممکن است بر خواسته خود در برچیدن سلاح‌های هسته‌ای انگلیس از منطقه کلاید اصرار و موجبات نگرانی ناتو و اعضای آن به خاطر تغییر آرایش دفاعی استراتژیک این پیمان در اقیانوس اطلس شمالی را فراهم نماید. انگلیس به لحاظ داشتن تسلیحات اتمی و توان دریایی، زیردریایی و هوایی قابل توجه برای حضور سریع در اقصی نقاط جهان، همچنان از جایگاه مهمی برخوردار است. سلاح‌های بازدارنده هسته‌ای مستقل نیروی دریایی انگلیس ضامن نهایی امنیت و آخرین ابزار دفاعی این کشور قلمداد می‌گردند. هم‌اکنون نیروی راهبردی "پولاریس"^۱ پرتاب شونده از زیردریایی در اختیار ناتو قرار دارد، اما در واقع تحت کنترل و فرماندهی دولت انگلیس می‌باشد. این امر انگلیس را قادر می‌سازد تا یک مرکز مستقل و ثانویه‌ای از تصمیم‌گیری‌ها در ناتو داشته باشد که از این طریق قدرت بازدارندگی آن را افزایش می‌دهد. نیروی هسته‌ای پولاریس دارای دو زیردریایی اتمی است که هر کدام قادر به حمل ۱۶ موشک پولاریس مجهز به کلاهک‌های هسته‌ای پیشرفته انگلیسی هستند. در حال حاضر چهار زیردریایی ساخت انگلیس جایگزین نیروهای پولاریس شده‌اند که هر کدام قادر به حمل موشک‌های "ترایدنت" خریداری شده از آمریکا هستند. کلاهک‌های هسته‌ای ترایدنت توسط انگلیس طراحی و ساخته شده‌اند. هر یک از زیردریایی‌های ترایدنت بیش از ۹۶ کلاهک هسته‌ای حمل می‌کند. در اواخر دهه هفتاد میلادی دولت بریتانیا تصمیم گرفت تا سامانه موشکی هسته‌ای ترایدنت را ایجاد نماید. این سامانه که براساس نیازهای آمریکا طراحی شده بود، از سامانه پولاریس بزرگ‌تر بوده و بنابراین زیردریایی‌های حامل آن نیز باید بزرگ‌تر می‌بودند. بودجه آن نیز همانند پولاریس از محل بودجه نیروی دریایی تامین شد. انتخاب سامانه جدید مصادف بود با سیاست‌های جنگ‌طلبانه "مارگارت تاچر" نخست‌وزیر وقت بریتانیا و "رونالد ریگان" رئیس‌جمهور وقت آمریکا که هراس نسبت به یک هولوکاست هسته‌ای را تجدید نمود (Lavery, 2007: 453-456). انگلیس همچنین از تسلیحات هسته‌ای نیمه استراتژیک برخوردار می‌باشد که در واقع رابط میان سلاح‌های استراتژیک و متعارف هستند، (خالوزاده، ۱۳۷۷: ۲۰۶ و ۲۰۵). ناتو عامل مهمی در دفاع و امنیت انگلیس از هرگونه تهدید خارجی جدی طی ۵۰ سال گذشته

۱. پایگاه هوایی پولاریس واقع در فاسلین در اواخر دهه شصت میلادی توسط مهندسين و کارکنان حرفه‌ای غیربومی ساخته شد.

بوده است. انگلیس خواستار حفظ ناتو به رهبری آمریکا در امور امنیتی و دفاعی اروپا بوده و از گسترش ناتو به سوی کشورهای مرکز و شرق اروپا حمایت و معتقد است کشورهای این منطقه که در آینده به عضویت اتحادیه اروپایی درمی‌آیند باید به ناتو نیز ملحق گردند، (خالوزاده، ۱۳۷۷: ۲۵۶). به نظر می‌رسد انگلیس حداکثر تلاش خود را برای متقاعد ساختن اتحادیه اروپا و ناتو در مخالفت با جدایی و استقلال اسکاتلند و برجسته کردن تبعات احتمالی این امر بر تمامیت و جایگاه اتحادیه اروپا و ناتو و اعضای آن به کار گیرد.

۳-۴. در سطح بین‌الملل

برآیند کلی سه پیامد ذکر شده در مقیاس ملی که پیشتر به آن‌ها اشاره شد، در نهایت تضعیف جایگاه بین‌المللی بریتانیا به عنوان یک قدرت برتر جهانی و یکی از ۵ عضو دائم دارای حق و تو در شورای امنیت سازمان ملل متحد را به دنبال خواهد داشت. تضعیف اقتدار انگلیس به دنبال جدایی اسکاتلند می‌تواند زمینه‌ای برای بازنگری در برخورداری انگلیس از این حق انحصاری و تبعیض‌آمیز به جا مانده از دوره بعد از جنگ جهانی دوم شود. آثار اقتصادی، صنعتی و نظامی ناشی از استقلال اسکاتلند، همچنین می‌تواند ادامه عضویت انگلیس در پیمان‌ها، سازمان‌ها و نهادهای جهانی و بین‌المللی دیگری مانند ناتو و G8، G20 و... را با مشکلات اساسی مواجه نماید.

متعاقب اعلام استقلال و جدایی اسکاتلند، قدرت نظامی بریتانیا در سطح منطقه و جهان نیز تحت تأثیر قرار گرفته و تاحدودی تضعیف خواهد شد. اسکاتلندی‌های طرفدار جدایی اعلام کرده‌اند که خواستار نیروی دفاعی مستقلی برای کشور خود هستند که احتمالاً از اعضای اسکاتلندی ارتش فعلی بریتانیا تشکیل خواهد شد. این مسئله می‌تواند باعث از دست رفتن نیروی انسانی و همچنین پایگاه‌ها و بنادر راهبردی بریتانیا گردد. مسئله مهم دیگر این است که کلیه تسلیحات هسته‌ای انگلیس در زبردیایی‌هایی قرار دارند که در پایگاه دریایی "فاسلین"^۱ در اسکاتلند مستقر هستند. این در حالی است که "آنگوس رابرتسون"^۲ نماینده حوزه انتخاباتی "مورای"^۳ در پارلمان انگلیس که وزیر خارجه سایه و سخنگوی امور دفاعی و اروپایی حزب ملی اسکاتلند نیز می‌باشد، گفته است: "ما هرگز خواستار وجود سلاح‌های کشتار جمعی در اسکاتلند نبوده و نخواهیم بود". انتقال اینگونه تسلیحات به انگلیس (به احتمال زیاد به

1. Faslane Naval Base
2. Mr. Angus Robertson, MP, www.parliament.uk
3. Moray Constituency

بندر پلیموث) نیازمند اعمال تغییرات و انجام اصلاحات عمده و فراوانی در زیرساخت‌ها و بیش از یک دهه زمان و میلیاردها پوند هزینه است. همچنین مردم اسکاتلند خواهان خروج از ناتو هستند که در صورت تحقق این مسئله، جایگاه بریتانیا در این پیمان امنیتی-دفاعی منطقه‌ای به شدت تضعیف خواهد شد. از طرف دیگر در شرایط تداوم بحران مالی بین‌المللی و ادامه بحران اقتصادی موجود در بریتانیا و اعمال سیاست‌های انقباضی دولت ائتلافی محافظه‌کار لندن، تضعیف اقتصاد ملی بریتانیا به خاطر جدایی اسکاتلند از آن می‌تواند منجر به افزایش نارضایتی‌های داخلی از عملکرد اقتصادی دولت مرکزی و تنزل جایگاه اقتصادی، مالی و بانکی انگلیس در سطح بین‌المللی گردد (سایت تحلیلی خبری عصر ایران، ۲۹/۱۱/۹۰: ۲).

انگلیس تا جنگ جهانی دوم (۱۹۴۵) یک چهارم قلمرو و یک پنجم جمعیت جهان را تحت کنترل خود داشت. از جنگ جهانی دوم تا سقوط اتحاد جماهیر سوسیالیستی شوروی (۱۹۹۱)، میزان تأثیرگذاری بریتانیا در عرصه بین‌المللی به نحو بارزی کاهش یافت. در طول بیست سال اخیر (۲۰۱۱-۱۹۹۱)، به ویژه در پی تهاجمات نظامی به افغانستان و عراق و بروز بحران مالی اقتصادی به دفعات و به تدریج از سطح قدرت و نفوذ انگلیس کاسته شده است. در شرایط کنونی، تحقق استقلال اسکاتلند می‌تواند ضربه سختی بر نقش و جایگاه بین‌المللی انگلیس وارد کند. در شرایطی که انگلیس از یک سو درگیر مدیریت اقتصاد بحران زده خود و از سوی دیگر تلاش برای برقراری توازن جدید بین اروپا و آمریکا (دو سوی اقیانوس اطلس) است، تجزیه بخشی از آن می‌تواند امیال تاریخی این کشور را بر باد بدهد. جایگاه انگلیس طی بیش از دو سال گذشته از اقتصاد پنجم به اقتصاد ششم جهان تنزل یافته و این روند نزولی همچنان ادامه دارد. بی شک جدایی اسکاتلند از انگلیس روند مزبور را تشدید خواهد کرد. با توجه به کاهش نقش میان‌داری انگلیس در عرصه سیاست بین‌الملل که منبعت از جایگاه ژئوپلیتیک آن بوده و در نتیجه با سست‌تر شدن پیوندهای دو سوی اقیانوس اطلس (اروپا و آمریکا)، باید شاهد تحولی جدی در نظام بین‌الملل باقیمانده از جنگ جهانی دوم بود. همچنین احتمال کاهش محسوس نقش سنتی انگلیس در منطقه و در پیرامون جمهوری اسلامی ایران را نباید از نظر دور داشت. به عنوان مثال انگلیس محروم از منابع نفت و گاز دریای شمال به منابع انرژی خاورمیانه و خلیج فارس وابستگی بیشتری پیدا خواهد کرد. این تحولات به نوبه خود بر جهت‌گیری‌های سیاسی بین‌المللی انگلیس در قبال ایران و منطقه اثر تعیین‌کننده‌ای خواهند داشت، (خبرگزاری فارس، ۲۰/۳/۹۰: ۱۲-۹).

۵. نتیجه‌گیری

به نظر می‌رسد بخش مهمی از ساکنان اسکاتلند از وضعیت موجود راضی نبوده و نمی‌خواهند این سرزمین همچنان قسمتی از انگلیس باقی بماند. اسکاتلند یک ملت بدون دولت مخصوص خود است. اسکاتلند گرچه تیم فوتبال خود را دارد، اما فاقد کرسی عضویت در سازمان ملل متحد و اتحادیه اروپایی است؛ سرزمین مزبور هر چند پارلمان خاص خود (Holyrood) را دارد، اما همچنان باید نمایندگانی را به پارلمان انگلیس روانه نماید. انگلیس نه یک فدراسیون است و نه یک دولت واحد. انگلیس مستقیماً از یک کشور ماقبل مدرنیته به سوی یک کشور مابعد مدرنیته و بدون گذار از مرحله معمول مدرنیته کردن قانون اساسی خود حرکت کرده است. انگلیس و اسکاتلند در حال حاضر به عنوان محلی جذاب برای آزمایش و شناسایی طرق نوین حاکمیت در جهان پیچیده و در حال تغییر، توجه بیشتر جامعه بین‌المللی را به سوی خود جلب می‌کنند. انتقال اسکاتلند هنوز در مراحل اولیه خود قرار دارد و بسیاری از جوانب حل‌وفصل مسائل مربوط به این گذار باید مورد مذاقه و آزمون قرار گیرد، با تمام این احوال از هم اکنون می‌توان برخی خطوط روشن در سیاست‌های عمومی طرفین را تشخیص داد (Keating, 2010: xi, xii & xiii).

باتوجه به روندهای متغیر جاری در داخل انگلیس، اروپا و جهان، تغییرات اساسی محتمل در یک افق ۳ تا ۵ ساله در کشور مزبور اجتناب ناپذیر به نظر می‌رسند. در نتیجه این تغییرات افول جایگاه یک بازیگر قدیمی می‌تواند محتمل باشد، گرچه ابعاد آن هنوز به طور کامل مشخص نیست. یک نکته روشن است و آن این که دولت مرکزی در لندن حداکثر تلاش خود را به عمل خواهد آورد تا بر روندهای شروع شده در اسکاتلند و امواج استقلال‌طلبی در بریتانیا فائق آمده و آن را به نفع اهداف راهبردی خود مدیریت نماید. وقایع محدثه در پادشاهی متحد بریتانیا برآیند تلاقی توان لندن و ادینبورگ برای تحقق اهداف مورد نظر خود در آینده را نشان خواهند داد، اما حتی بدون تحقق استقلال اسکاتلند، دولت لندن باید تلاش مضاعفی را به خرج دهد تا بتواند همچنان در جایگاه قبلی خود در داخل و خارج باقی بماند. چنین دغدغه‌هایی از هم‌اکنون مشهود می‌باشند؛ "جرمی براون"^۱ معاون وزیر خارجه انگلیس از حزب لیبرال دموکرات چندی پیش در گفتگو با "سندی تایمز" در مورد احتمال نزول جایگاه بین‌المللی انگلیس چنین هشدار داد: "انگلیس در صوت عدم بازسازی اساسی اقتصادی خود، با افول غیرقابل اجتناب روبرو شده و کشورهای مثل مکزیک، کره جنوبی و برزیل

1. Jeremy Brown

می‌توانند طی یک دهه جایگاه آن در نظام سلسله مراتبی جهان را اشغال نمایند. خداوند حق ویژه‌ای برای انگلیس مقرر نکرده تا برای همیشه یکی از ثروتمندترین و با نفوذترین کشورهای جهان باشد. اگر خودمان را با اوضاع متحول جهان کنونی تطبیق ندهیم، افول ما قطعی است. در حالی که تغییرات بزرگی در ساختار قدرت جهانی در حال وقوع است، باید قدرت رقابت اقتصادی و جایگاه خود به عنوان یک رهبر سیاسی را حفظ کنیم. در حال حاضر انگلیس پس از آمریکا، چین، ژاپن، آلمان و فرانسه ششمین اقتصاد دنیا قلمداد می‌گردد، ولی در اثر رکود با چالش مواجه شده و تولید ناخالص ملی آسیا و آمریکای لاتین از آن پیشی می‌گیرند. اقتصاد چین در هر ۸-۷ سال ۱۰۰ درصد رشد می‌کند و حجم آن در ۱۵ سال آینده دو برابر شرایط کنونی خواهد شد. انگلیس برای این که جایگاه خود را به دست آورد، باید اتحادهای سیاسی وسیع‌تری را ایجاد نموده، زیرساخت‌های قدیمی خود را به روز کرده، از نظر اقتصادی رقابتی باقی بماند و از تاریخ و فرهنگ کشورهای در حال رشد عبرت بگیرد" (خبرگزاری فارس، ۹۱/۳/۲۰: ۱۲-۱۱).

بحث‌های اخیر پیرامون موضوع همه‌پرسی استقلال اسکاتلند به هر نتیجه‌ای که منتهی بشوند، مسئله تجزیه بریتانیا موضوعی نیست که به این سادگی‌ها برطرف گردد، چرا که بسیاری از فعالان ملی‌گرا در اسکاتلند، ویلز و ایرلند شمالی خواستار اختیارات و قدرت تصمیم‌گیری بیشتر برای تعیین سرنوشت خود و همچنین محدودیت دامنه مداخلات دولت مرکزی انگلیس در امور داخلی خود هستند. چنین خواسته‌هایی با توجه به گسترش امکانات ارتباطی، افزایش آگاهی اقشار مختلف مردم و همچنین تشدید مشکلات اقتصادی و اجتماعی، در مقاطع مختلف بروز و ظهور خواهند یافت. به نظر می‌رسد مقامات انگلیسی چاره‌ای ندارند به جز این که به تدریج به ایفای نقش برادر بزرگ‌تر در داخل پادشاهی متحد بریتانیا پایان بدهند. "سر گاس اودانل"^۱ یک مقام ارشد دولت انگلیس چندی پیش هشدار داده بود که این کشور با خطر تجزیه مواجه است و این موضوع یکی از چالش‌های عمده نظام سیاسی بریتانیا در سال‌های پیش رو خواهد بود. وی که به عنوان فردی بوروکرات و غیرسیاسی تا روزهای پایانی سال ۲۰۱۱ سمت "وزیر کابینه" را در دولت انگلیس برعهده داشت در مقاله‌ای در روزنامه دیلی تلگراف این سؤال را مطرح کرده بود که آیا بریتانیا می‌تواند از فشار فزاینده اسکاتلند برای کسب استقلال، جان سالم به در ببرد؟ به اعتقاد نامبرده طی چند سال آینده انگلیس با چالش‌های مهمی روبرو خواهد شد که یکی از آن‌ها تلاش برای حفظ وحدت در داخل نظام سلطنتی متحد بریتانیا (انگلستان، اسکاتلند، ویلز و ایرلند شمالی)

1. Sir Gus O'Donnell, Cabinet Secretary, www.parliament.uk

می‌باشد. روزنامه "دیلی تلگراف" درباره مقاله "سر گاس اودانل" چنین آورده است: "پذیرش این موضوع از سوی یک مقام ارشد و غیرسیاسی دولتی که اکنون موضوع تجزیه بریتانیا یک احتمال واقعی است، باعث تشدید مجدد این بحث در میان احزاب سیاسی خواهد شد".

برخی از تحلیل‌گران معتقدند کسب استقلال کامل از سوی اسکاتلند، گروه‌های جمهوری‌خواه و ملی‌گرا در ایرلند شمالی و ویلز را نیز ترغیب خواهد کرد تا خواسته‌های خود برای اختیارات و خودمختاری بیشتر را با عزم راسخ‌تری دنبال نمایند، (خالوزاده، ۱۳۷۷: ۳-۲).

در حالی که تعداد زیادی از اسکاتلندی‌ها در نظر دارند به نفع جدایی از انگلیس رای بدهند، بعضی اندیشکده‌ها، مطبوعات و رسانه‌های انگلیس اخباری منتشر کرده‌اند مبنی بر این که ساکنان برخی از جزایر اسکاتلند نیز خواستار جدایی از اسکاتلند هستند. بدون تردید عواقب چنین مسئله‌ای می‌تواند برای یک اسکاتلند مستقل مخرب باشند. به عنوان مثال عنوان شده که جزایر "شتلند"، "ارکنی" و "جزایر غربی" در اوایل سال ۲۰۱۳ تصمیم دارند تا از موضوع رای‌گیری استقلال اسکاتلند به عنوان فرصتی برای پیشبرد اصلاح قوانین اساسی خود بهره‌برداری نمایند. تصمیم مزبور می‌تواند نه تنها پیامدهای دور از انتظاری در ارتباط با جزایر یاد شده، بلکه در رابطه با تلاش جاری به منظور کسب استقلال اسکاتلند به دنبال داشته باشد. جزایر مذکور آداب و سنن، فرهنگ و هنر و تاریخ خاص خود را دارند و صرفاً در قرن ۱۵ میلادی زمانی که به عنوان بخشی از جهیزیه شاهزاده خانم نروژی به اسکاتلند داده شدند، تبدیل به قسمتی از اراضی اسکاتلند گردیدند. این جزایر قبلاً جزئی از نروژ بوده و ساکنان آن به لهجه نروژی صحبت می‌کردند و نروژ به عنوان یکی از کشورهای اسکاندیناوی بیشتر وطن معنوی جزایر مورد اشاره قلمداد می‌شده است. اهالی جزیره شتلند ۳۶ سال پیش مخالفت خود را با ایجاد اسکاتلند مستقل اعلام کردند و آن‌ها خود را به اندازه اسکاتلند متعلق به انگلیس می‌دانند.

سؤال مهم دیگر اینجاست که در صورت خروج بریتانیا از اتحادیه اروپا و استقلال اسکاتلند، نفت و گاز دریای شمال به چه کسی تعلق می‌یابد؟ اسکاتلند ۲۰ درصد از منابع و ذخایر نفت و گاز بریتانیا را در اختیار دارد و جزیره شتلند نیز از نظر منابع نفت و گاز دریای شمال و تأسیسات نفتی و انرژی‌های تجدیدپذیر موقعیت برتری دارد. سرمایه‌های خارجی زیادی در حوزه انرژی‌های قابل تجدید به سوی این جزیره سرازیر

شده است. در صورت درخواست خودمختاری کامل جزیره شتلند و استقلال آن از اسکاتلند، می‌توان گفت که در حوزه نفت و گاز دریای شمال دست برتر متعلق به جزیره شتلند خواهد بود. لابی‌های سیاسی داخل جزیره مزبور هنوز تصمیم نهایی خود را در مورد باقی‌ماندن در چارچوب اسکاتلند مستقل، یا ادامه حضور در چارچوب بریتانیا و یا درخواست برای خودمختاری کامل اتخاذ نکرده‌اند. نظام مالی اسکاتلند به‌دنبال بحران اقتصادی بین‌المللی و ورشکستگی بانک سلطنتی اسکاتلند^۱ بخشی از اعتبار خود را از دست داده است و به نظر می‌رسد جزایر مزبور با باقی‌ماندن در چارچوب بریتانیا بتوانند جایگزین بالقوه‌ای برای تأسیس یک نظام مالی جدید در شمال انگلیس محسوب گردند. در واقع آن‌ها با توجه به ذخایر نفت و گاز، این امکان را دارند تا با پائین نگه‌داشتن سطح مالیات داخلی، تبدیل به مقصد و مامن مناسبی مانند "موناکو" برای شرکت‌های خارجی و افراد ثروتمند جهان بشوند. ساکنان جزایر اسکاتلند طی ۱۲ ماه آینده بایستی تصمیم مهمی اتخاذ نمایند (این که در کنار اسکاتلند مستقل باقی مانده یا از آن جدا و خودمختار گردند). پیامدهای مالی چنین تصمیمی خطیر بوده و می‌تواند بازخوردهای مهمی در کلیه ابعاد حیات جزایر مزبور به‌دنبال داشته باشد (Brooks, 2013: 1-3).

مؤسسه ملی تحقیقات اقتصادی و اجتماعی (NIESR)^۲ نیز به عنوان یک اندیشکده معتبر هشدار داده که در صورت جدایی اسکاتلند از انگلیس ممکن است اسکاتلند مستقل با یک دهه ریاضت اقتصادی و استقراض‌های گسترده به‌مراتب می‌تواند با شرایطی بدتر از موارد مربوط به دو کشور ایتالیا و اسپانیا، روبرو گردد (Ping Chan, 2013: 1-2).

به‌رغم تلاش دولت مرکزی انگلیس در تاکید بر عواقب ناخوشایند جدایی اسکاتلند از پادشاهی متحد بریتانیا و برجسته کردن پیامدهای منفی احتمالی آن، مقامات دولت محلی اسکاتلند همچنان معتقدند این جدایی نهایتاً به سود سرزمین آن‌ها تمام خواهد شد. "آلکس سالموند" سروزیر اسکاتلند طی مصاحبه‌ای با خبرگزاری "فرانس پرس" در مورخه ۱۲ مه ۲۰۱۳ چنین گفته است: "یک اسکاتلند جدا از انگلیس به مراتب از سطح رفاهی، معیشتی و اقتصادی بالاتر برخوردار خواهد بود."

در جدیدترین نظرسنجی به عمل آمده در اسکاتلند حدود ۴۷ درصد مخالف استقلال بوده و بیش از ۳۲ درصد موافق این مسئله هستند (Sky News, 5 Feb, 2013: 2). این در حالی است که هنوز بقیه تصمیم نهایی خود را در این زمینه نگرفته‌اند، به عبارتی مخالفان استقلال همچنان در اکثریت هستند، اما در فرصت

1. Royal Bank of Scotland

2. National Institute of Economic and Social Research (NIESR)

باقیمانده تا برگزاری همه‌پرسی (پائیز ۲۰۱۴)، موافقان می‌توانند با جلب آرای ۲۱ درصدی افراد مردد، وزنه خود را سنگین‌تر نمایند. از سوی دیگر تشدید بحران اقتصادی در بریتانیا نیز می‌تواند در ریزش آرای مخالفان استقلال موثر باشد. با این حال، باید تا اواسط سال ۲۰۱۴ یعنی زمان نزدیک شدن به مقطع برگزاری همه‌پرسی منتظر ماند و تحولات را از نزدیک زیر نظر داشت. به نظر می‌آید تبعات و آثار امضای توافقنامه کامرون با سالموند می‌تواند فراتر از خاک بریتانیا را نیز تحت تأثیر قرار بدهد. گرایش اسکاتلندی‌ها برای نیل به حاکمیت مستقل تحت رهبری آلکس سالموند، در واقع از یک زاویه بازتاب تمایلات جدایی طلبانه مشابهی در دیگر مناطق اروپایی همچون ساکنان "کاتالونیا" و "فلاندرها"^۱ در ایامی می‌باشد که اروپای دچار بحران اقتصادی درگیر انجام تغییرات عمیق مرتبط با هویت خویش شده است. کاتالونیا سرزمینی غنی و دارای اقتصادی قوی می‌باشد و اهالی آن نیز سیصد سال است خواستار استقلال از اسپانیا هستند. فلاندرها نیز در فرانسه و بلژیک مستقر هستند. رای مثبت اسکاتلندی‌ها به جدایی این سرزمین از بدنه انگلیس در جریان همه‌پرسی پائیز ۲۰۱۴ می‌تواند تبدیل به الگو و سرمشقی برای آن‌ها گردد.

اسکاتلند به‌طور سنتی یکی از طرف‌های تبادل تجربیات و دانش فنی با وزارت نفت ایران در حوزه نفت و گاز بوده است. لازم به ذکر است حوزه گازی مشترک "رام" یا "رهام"^۲ (واقع در دریای شمال، حدود ۴۰۰ کیلومتری شمال شرق آبردين در سواحل اسکاتلند و ۴۴ کیلومتری حوزه بروس)^۳ با ظرفیت تولید روزانه معادل ۵ درصد گاز تولیدی انگلیس، از سال ۲۰۱۰ به علت اعمال تحریم‌ها علیه کشورمان بسته شده است. انگلیس امیدوار است با لغو تحریم‌ها علیه میدان مذکور که سهام آن در مالکیت مشترک دولت ایران و شرکت "بریتیش پترولیوم"^۴ قرار دارد، بتواند کاهش ذخایر گازی خود را جبران نماید، (روزنامه ایران، ۹۲/۷/۲: ۱)، ظرفیت حوزه گازی رام حدود ۵/۹ میلیون متر مکعب در روز است که تنها بخش کوچکی از تولیدات شرکت بریتیش پترولیوم را تشکیل می‌دهد. دولت بریتانیا برای لغو تحریم شرکت بریتیش پترولیوم در حوزه گازی مزبور با آمریکا و اتحادیه اروپا مذاکره و رایزنی کرده است. به گزارش "اقتصاد ایران آنلاین" به نقل از وال استریت ژورنال ۵۰ درصد حوزه نفتی رام متعلق به شرکت ملی نفت ایران و ۵۰ درصد دیگر در اختیار شرکت بریتیش پترولیوم است. در

1. Catalonia and Flanders
2. Rhum
3. Bruce
4. British Petroleum (BP)

واقع‌نیمی از سهام میدان مشترک رهام متعلق به "شرکت نیکو" است. بریتیش پترولیوم در سال ۲۰۱۰ پیرو تحریم‌های آمریکا و اتحادیه اروپا، اقدام به قطع همکاری با این شرکت در حوزه یاد شده نمود، (اقتصاد ایران آنلاین، ۱۳۹۲/۶/۳۰: ۱). بنا به اعلام خبرگزاری ایسنا، رسانه‌های انگلیسی گزارش داده‌اند که این کشور احتمالاً با کاهش تحریم‌های مرتبط با ایران در زمینه تولید گاز در حوزه مذکور موافقت خواهد کرد (روزنامه هدف و اقتصاد، ۱۳۹۲/۷/۲: صفحه عناوین). شرکت بریتیش پترولیوم امسال هشدار داد که توقف طولانی عملیات اکتشاف در میدان رهام می‌تواند تهدیدی باشد برای بسته شدن پیش از موعد میدان گازی بروس که دارای زیرساخت‌های مشابهی با هم هستند. میدان گازی بروس حدود ۳ درصد از تولید گاز انگلیس در دریای شمال را در اختیار دارد. وزاری کابینه انگلیس اکنون می‌گویند که به دریافت معافیت از تحریم‌ها که اجازه می‌دهد تولید گاز در میدان رهام از سرگرفته شده و آینده میدان بروس نیز تضمین شود، نزدیک گردیده‌اند. با توجه به کاهش تولید گاز در دریای شمال و افزایش نگرانی در مورد افزایش قیمت سوخت، انگلیس بیش از پیش به واردات گاز احتیاج پیدا کرده است. زمزمه‌ها در مورد معافیت میدان گازی یاد شده از تحریم‌ها در حالی عنوان می‌شوند که علائمی از بهبود روابط ایران و انگلیس به دنبال روی کار آمدن دکتر حسن روحانی در ایران مشاهده شده است. اتحادیه اروپا مدتی پیش اعلام کرد که میدان گازی فوق‌الذکر می‌تواند براساس بخشنامه مصوب شورای اتحادیه اروپا در دسامبر ۲۰۱۲ که طی آن مقررات قبلی در مورد اقدامات محدودیت‌زا علیه ایران اصلاح شد، از شمول تحریم‌ها معاف گردد. گزارش‌ها حکایت از آن دارند که مذاکرات طرفین بر این موضوع متمرکز شده که آیا دیگر شرکت‌ها نظیر بانک‌هایی که تراکنش‌های مالی مرتبط با این میدان را انجام می‌دادند نیز از این معافیت بهره‌مند می‌شوند یا خیر؟ (کبیری، ۹۲/۷/۱۵: ۱-۲).

با توجه به این که تعدادی از کشورهای مختلف جهان از سال‌ها قبل کنسولگری یا دفتر تجاری خود را در مرکز و یا دیگر شهرهای اسکاتلند تأسیس و نوعی از ارتباط و تماس مستقیم به خصوص تجاری و فرهنگی با دولت محلی این سرزمین برقرار نموده‌اند و نظر به فعالیت‌های مشترک و دیرینه وزارت نفت کشورمان با انگلیس و اسکاتلند (سابقه حضور دفتر شرکت کالای نفت در انگلیس به سال‌های پیش از انقلاب اسلامی ایران برمی‌گردد) و با عنایت به ارتباطات قبلی در حوزه اعزام و حضور دانشجویان ایرانی در شهرهای مختلف اسکاتلند، جوانب مختلف اقدام جهت تأسیس یک دفتر تجاری یا کنسولگری افتخاری در ادینبورگ یا آبردین می‌تواند قابل بررسی باشد، بدون شک برقراری سطحی از ارتباط متقابل می‌تواند زمینه‌ای برای شناخت بیشتر دو ملت از

یکدیگر و برنامه‌ریزی آنها برای توسعه همکاری‌های متقابلاً سودمند بعدی بدون هرگونه واسطه‌ای باشد. لازم به ذکر است اسکاتلند در بسیار از صنایع مهم و کلیدی، از جمله انرژی‌های تجدیدپذیر، دریانوردی و بانکداری و بیمه از دانش و تجربه قابل توجهی برخوردار است. در حال حاضر بیش از ۳۹ کشور مختلف جهان، از جمله اکثریت قریب باتفاق کشورهای اروپایی، آمریکا، ترکیه، چین، هند، بنگلادش، مغولستان، نپال و تونس دارای سرکنسول، کنسول، کنسول افتخاری و یا دفتر تجاری در ادینبورگ، گلاسکو، آبردین، داندی،^۱ آرژیل،^۲ استرلینگ شایر،^۳ پنی‌کویک^۴ و دیگر بنادر و شهرهای اسکاتلند می‌باشند.^۵

منابع

۱. احمدبیگی، مهدی (۱۳۸۰)، " آیا آفتاب امپراطوری کاملاً غروب می‌کند؟"، دانشجوی دکترای مطالعات اروپا، سایت سخن آشنا.
۲. اچ. هارت، میچل، " تاثیرگذارترین‌های تاریخ- شرح حال و آثار یکصد نفر از موثرترین شخصیت‌های جهان"، مترجم: محمدحسین آهی.
۳. اقتصاد ایران آنلاین (۹۲/۶/۳۰)، "همکاری‌های مجدد شرکت ملی نفت ایران با BP"، www.eghtesadeiranonline.com
۴. ایرنا (۱۳۹۰/۱۰/۱۹)، "همه‌پرسی درباره استقلال اسکاتلند، چالشی مهم برای دولت انگلیس"، <http://www.irna.ir/News/30756693/>
۵. ایرنا (۹۱/۷/۲۴)، "همه‌پرسی برای استقلال: بستری برای رؤیای اسکاتلندی یا کابوس انگلیسی؟".
۶. ایسنا (مورخ ۹۲/۴/۱)، "هیگ: استقلال اسکاتلند تضعیف انگلیس را در صحنه جهانی در پی دارد"، به نقل از روزنامه دیلی تلگراف، کد خبر: ۹۲۰۴۰۱۰۰۳۳۰، سرویس بین‌الملل و فرامنطقه‌ای.
۷. پرس تی وی (۹۱/۱۱/۱۸)، "اسکاتلند از امکان استقلال از انگلیس در مارس ۲۰۱۶ خبر داده ست"، www.presstv.com
۸. خالوزاده، سعید (۱۳۷۷)، " نقش انگلیس در معادلات قدرت در اروپا"، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.

1. Dundee
2. Argyll
- 3-Stirlingshire
4. Penicuik
5. www.visitscotland.com

۹. رنجبر، حسن (۱۳۹۰)، "روشنگری اسکاتلندی"، ترجمه: وبسایت تاریخ تفکر اقتصادی، روزنامه دنیای اقتصاد، شماره ۲۴۴۷، ۱۳/۶/۹۰، (اندیشه اقتصاد).
۱۰. روزنامه اعتماد (۹۲/۴/۲۴)، "درگیری پروتستان‌ها و کاتولیک‌ها در ایرلند شمالی"، شماره ۲۷۲۷.
۱۱. روزنامه ایران (۹۲/۷/۲)، "تحریم میدان گازی مشترک ایران و انگلیس لغو می‌شود"، به نقل از گزارش دیلی تلگراف، www.iran-newspaper.com
۱۲. روزنامه وطن امروز (۹۱/۳/۲۱)، "کارزار استقلال اسکاتلند از بریتانیا-چالش‌های دولت انگلیس شدت می‌یابد"، کد خبر ۸۵۲۱۴.
۱۳. روزنامه هدف و اقتصاد (۹۲/۷/۲)، "انگلیس به دنبال معافیت میدان گازی دریای شمال از تحریم‌های ایران"، شماره ۲۷۱۱، www.hadafeconomic.com
۱۴. روزنامه همشهری (۹۲/۴/۲۷)، "هشدار ایتالیا درباره خروج انگلیس از اتحادیه اروپا"، شماره ۶۰۲۲، بخش بین‌الملل.
۱۵. سایت تحلیلی خبری عصر ایران (۹۰/۱۱/۲۹)، "همه چیز در باره: جدایی اسکاتلند از بریتانیا"، کد خبر ۲۰۱۷۱۳۰.
۱۶. سایت اطلاع‌رسانی خبرگزاری فارس (۹۱/۳/۲۰)، تشدید چالش‌های دولت انگلیس-پروژه استقلال اسکاتلند- فرصت‌ها و پیامدها، گروه بین‌الملل، حوزه اروپا و آمریکا.
۱۷. عبادی، کوروش (۱۳۷۵)، کتاب سبز انگلستان، چاپ دوم، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.
۱۸. عزیززی، جیران (۹۱/۷/۲۶)، "نخستین سند استقلال اسکاتلند پس از ۷۰۰ سال"، روزنامه ایران، شماره ۵۲۰۳، بانک اطلاعات نشریات کشور، www.mairan.com
۱۹. کبیری، هما (۹۲/۷/۱۵)، "میدان گازی مشترک ایران و انگلیس بازگشایی می‌شود؟ فرجام شراکت ۳۶ ساله"، خبر آنلاین، به نقل از روزنامه وال استریت ژورنال www.khabaronline.ir
۲۰. میرطاهر، سید رضا (۹۲/۲/۳۰)، "تلاش انگلیس برای جلوگیری از استقلال اسکاتلند"، سایت خبری تحلیلی برون مرزی.
۲۱. همشهری آنلاین (۹۲/۲/۳۱)، "مزایای اقتصادی استقلال کامل اسکاتلند از انگلیس"، کد مطلب ۲۱۵۲۷۳.
۲۲. همشهری آنلاین (۹۲/۲/۱۱)، "ضربه به انگلیس در صورت جدایی اسکاتلند"، کد مطلب ۲۱۲۰۶۶

23. Brooks, Kathleen (18 September 2013), "Could the Scottish Islands become the next Jersey?", Forex.com.3 pages.

24. Engel, Arno (2012), "Accommodating an Independent Scotland: How a British – Style Constitution for the EU Could Secure Scotland's Future", EPS Issue Papers, European Policy Center, Brussels, Belgium, 12 pages.

25. Editorial Board, "Scottish independence vote is part of worrying trend, 30 Oct. 2012, <http://articles.washingtonpost.com/2012-10-30/opinions/Scottish-independence...>, 2 pages.
26. Carrell, Severin, Scotland correspondent, "Scotland calls for urgent talks over EU membership", <http://www.guardian.co.uk/politics/2012/Dec/10...>, 10 Dec. 2012, 2 pages.
27. Goudie, Andrew (2013), "Scotland's Future, Edited by Andrew Goudie, Dundee University Press, 314 pp, Book Review by Douglas Osler, 25/05/2013, 2 pp.
28. Hart, Michael H. (1987), "The 100 A Ranking of the Most Influential Persons In History ", New Jersey, Published by Citadel Press, Seracucus, 527 pages.
29. "Historic Edinburgh Agreement On Referendum Signed", <http://www.scottishindependenceconvention.org>, 2 pages.
30. Jeremy, Warner, "Scottish independence: Why would Scotland turn itself into Greece?" 11 Oct. 2012, <http://www.telegraph.co.uk/news/Scotland...>
31. Johnson Simon, Scottish Political Editor, "Britain enemies will exploit Scottish independence to cut UK power", 17 October 2012, <http://www.telegraph.co.uk/news/uknews/scotland/9616006/...> 3 pages.
32. Keating, Michael (2009), "The Independence of Scotland, Self-government & the shifting politics of Union", New York , Oxford University Press, 214 pages.
33. Keating , Michael (2010), The Government of Scotland- Public Policy Making after Devolution , Edinburgh University Press Ltd, 288 pages. George Square, Edinburgh, www.eupublishing.com.
34. Kidd, Collin (2008), "Union and Unionism-Political Thought in Scotland, 1500-2000", London, Cambridge, 312 pages, www.cambridge.org.
35. Lavery, Brian (2007), "Shield of Empire – The Royal Navy and Scotland", Edinburgh, 2007, Birlinn Limited, 510 pages.
36. Macdonell, Hamish, "Radicals Threaten Salmond and Scottish Independence Campaign" The Independent, 24 Nov. 2012, <http://www.independent.co.uk/news/uk/politics/radicals-threaten-salmond-and-scottish-in...>, 2 pages.
37. Massie, Alex (2013), "Denial is a River in Scotland", Spectator, London, 27 June 2013, 2 pages.
38. Millard , Robin, (12 May 2013), " Salmond tells AFP Scotland can prosper outside UK", 3 pages, AFP.
39. "Och aye the No", Scotland's independence referendum, Scotland ponders whether independence and separation are the same thing, 20 October 2012, The Economist, <http://www.economist.com/news/Britain/21564852-scotland-ponders...>, 2 pages.
40. Ping Chan, Szu (17 September 2013), "Independent Scotland faces decade of austerity, NIESR warns ", 2 pages, The Telegraph.
41. Pittock, Murray (2008), "The Road To Independence? Scotland Since The Sixties", Published by Reaktion Books Ltd, www.reaktionbooks.co.uk, 206 pages.

41. Referendum on Independence for Scotland, <http://www.scotland.gov.uk/About/Government/concordats/Referandum-on-independence>, 1 page.
42. The Referendum on Separation for Scotland: How would separation affect jobs in the Scottish defense industry? Government Response to the Committee's Eighth Report of Session 2012-13, 1st Special Report of session 2013-14 ordered by the House of Commons to be printed, 11 June 2013, Published on 14 June 2013 by authority of the House of Commons, London: The Stationery Office Limited, 5 pages.
43. skynews.com (5 February 2013), "Scotland Draws Up Road Map To Independence", UK, 2 pages.
44. skynews.com (10 February 2013), "Scotland Is Better Off in Britain ' Says Cameron ", 2 pages.
45. "Scotland to hold an independence referendum before the end of 2014", MercoPress, South Atlantic News Agency, 15 Oct. 2012, 2 pages.
46. Thorp, Arabella & Thompson, Gavin (2011), "Scotland ,Independence and the EU", UK House of Commons Library Research Papers, House of Commons Library, London, United Kingdom, 1 pages.
47. Tusa, Francis (2012), "Defense and an Independent Scotland", International Relations and Security Network (ISN), 5 pages. Francis Tusa is Editor of Defense Analysis, a London-based newsletter, which specializes in in-depth analysis of key defense and industrial matters. He has been a defense journalist and broadcaster for over 20 years, with outlets and appearances across the world.
48. Young, Alan & G. Stead, Michael (2011), " In The Footsteps of William Wallace in Scotland and Northern England ", UK, 2010, The History Press, 190 pages.
49. Wymore, Glenn Wm, "Scottish independence – A letter to US newspapers", 1 December 2012. <http://www.newsscotland.com/index.php/Scottish-opinion/6354-...>, 2 pages.
50. www.angusrobertson.org